



آسمان

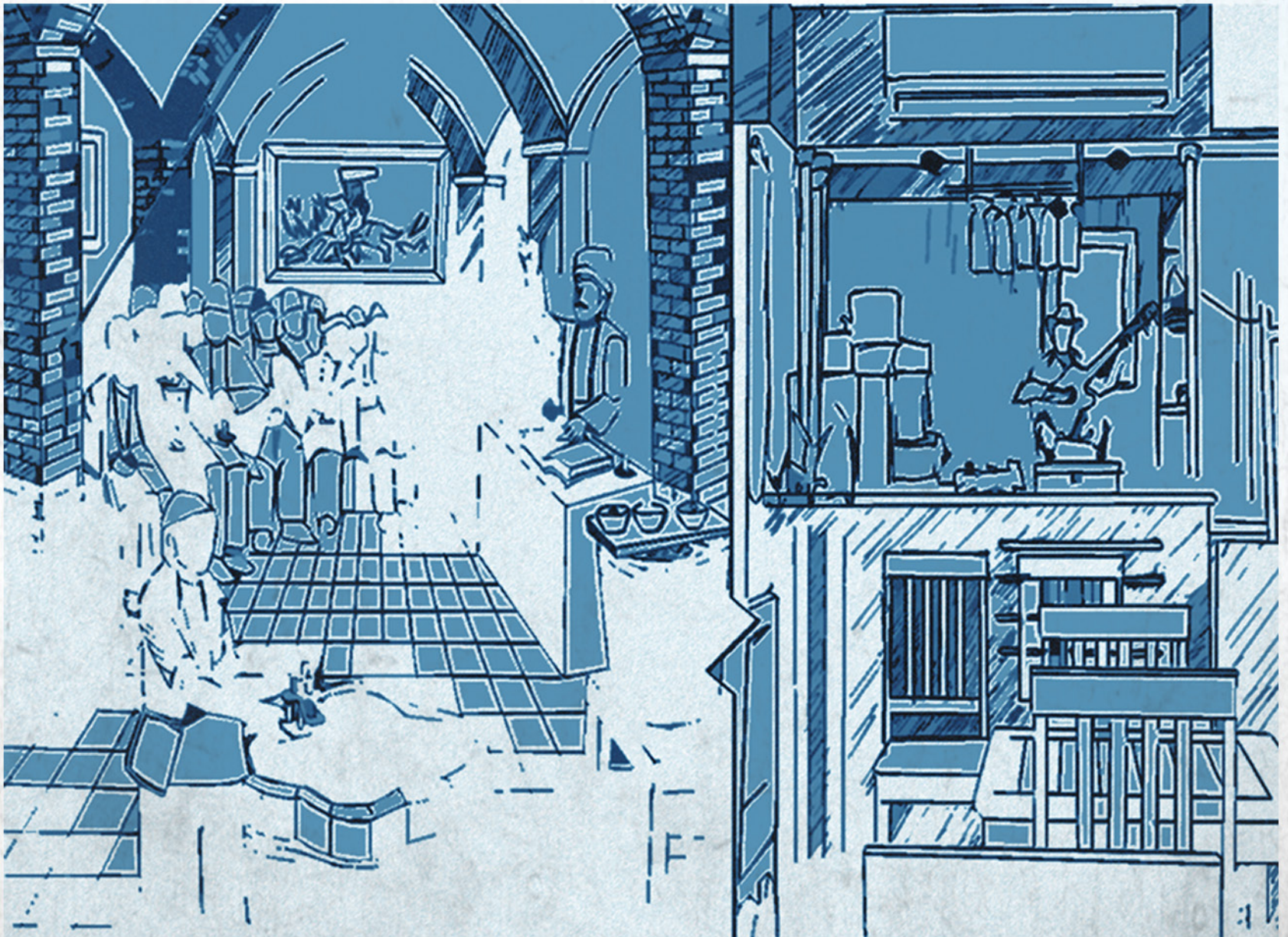
نشریه علمی - تخصصی
سال اول، شماره اول
بهار 1397

(سری دوم)

دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

موضوع این شماره: قهوه خانه و کافه

معماری قهوه خانه / نقاشی قهوه خانه / نقاشی قهوه خانه ای گذار تا مکتب سقاخانه ای /
نگاهی کالبدی به قهوه خانه ای سنتی ترکیه / قهوه خانه ها و کارکرد آنها در شهر / از کافه تا
قهوه خانه / کافه و کافه نشینی



بیت

آسمان

نشریه علمی تخصصی
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۷

آسمانه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
ابولفضل کربلایی حسینی غیاثوند

سردبیر:
فرشید رحیمی

هیئت تحریریه:
ابولفضل کربلایی حسینی غیاثوند /
فرشید رحیمی / فرید توکلی /
محمدتقی راسفیجانی /
کسری کاووسیان

صفحه آرایان و گرافیست‌ها:
سید محمد سیدین اردبیلی
سپهر سلطانیه

همکاران این شماره:
یگانه صدری / علی جنابیان /
رنا توتونچی / ریحانه رنجکش

مشاور علمی:
دکتر جمال الدین سهیلی

با تشکر فراوان از:
اداره معاونت دانشجویی و فرهنگی
دانشگاه آزاد اسلامی قزوین

معاونت پژوهشی
دانشکده معماری و شهرسازی

- آسمانه در فرهنگ ایرانی به معنی پوشش گنبد است.

- هر یک از مقالات این مجموعه تنها منعکس‌کننده نظر مؤلف آن است و هدف آن، ارائه اندیشه‌های گوناگون در باب معماری و شهرسازی می‌باشد.

- نشریه در انتخاب و ویرایش آزاد است.

- نقل بخشی از یک مقاله یا مطلب نشریه با ذکر نام و مأخذ آزاد است.

- دیباچه / دکتر جمال الدین سهیلی.....
- سخن آغازین / ابولفضل کربلایی حسینی غیاثوند.....
- سخن سردبیر / فرشید رحیمی.....

یادداشت‌ها و مقالات

- معماری قهوه‌خانه / کسری کاووسیان..... ۴
- مصاحبه: نقاشی قهوه‌خانه‌ای / یگانه صدری..... ۸
- نقاشی قهوه خانه ای گذار تا مکتب سقاخانه‌ای / فرید توکلی..... ۱۱
- نگاهی کالبدی به قهوه‌خانه‌های سنتی ترکیه / محمد تقی راسفیجانی..... ۱۵
- قهوه خانه ها و کارکرد آنها در شهر / علی جنابیان..... ۱۸
- از قهوه خانه تا کافه / رنا توتونچی، ریحانه رنجکش..... ۱۹
- کافه و کافه نشینی / ابولفضل کربلایی حسینی غیاثوند..... ۲۵

معرفی آثار

- معرفی قهوه‌خانه آذری / فرشید رحیمی..... ۲۸
- قهوه خانه تا کافه های شهری در استانبول / محمد تقی راسفیجانی..... ۳۲

گزارشات و تازه‌های معماری

- به یاد داریوش شایگان / ابوالفضل کربلایی حسینی غیاثوند..... ۳۴
- نگاهی به برنده جایزه پریتزکر؛ بالکریشنا دوشی / محمد تقی راسفیجانی..... ۳۶

اخبار دانشکده

- برگزاری سلسله درس گفتارهای معماری معاصر..... ۳۸
- همایش منظر، مفهوم درگذر زمان..... ۴۰

اخبار فرهنگی دانشگاه

- برگزاری سلسله درس گفتارهای معماری معاصر..... ۰۰
- همایش منظر، مفهوم درگذر زمان..... ۰۰

معرفی کتاب

- قهوه خانه ها در آئینه اسناد..... ۴۱
- نقاشی قهوه خانه ای..... ۴۲

آسمانه در فرهنگ معماری ایران به معنای پوشش یک بنا یا یک گنبد دانسته شده است. در سال ۰۸۳۱ که دانشجوی سال آخر کارشناسی ارشد بودم، به پیشنهاد جناب آقای دکتر سلطانزاده، مجموعه‌ای از مقالات دانشجویان را تنظیم نمودیم که بعداً نام آن را آسمانه گذاشتیم و به‌عنوان نشریه دانشجویی گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی قزوین در سال ۰۸۳۱ در سومین همایش دانشجویان معماری ایران در شهر تبریز ارائه نمودیم. تصویری از بام بازار تاریخی شهر قزوین را برای طرح جلد انتخاب کردیم و با کمک دانشگاه حدود ۰۰۵ جلد از مجله منتشر گردید. سال بعد آسمانه با سردبیری دوست عزیزم، مزدک مزدهی و همکاری دوستان ایشان به نام انجمن علمی دانشجویان معماری، به چاپ رسید و آسمانه ۳ نیز در سال ۳۸۳۱ با مقالات امیر بانی مسعود، ایمان رئیسی و... منتشر شد. آسمانه چهار و پنج در سال‌های ۸۸۳۱ و ۱۹۳۱ به مناسبت برگزاری همایش‌های علمی فارغ‌التحصیلان معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین تنظیم و منتشر شدند. به خاطر دارم که سهیل کارآگاه، اسرا ژاله، حسین ملازمانی، امیرحسین امینی، سارا شریعتی و خیلی از دوستان در برگزاری این همایش‌ها و انتشار مجموعه مقالات همکاری صمیمانه‌ای داشتند که پس از این چند سال، از محبت‌های آن‌ها از صمیم قلب سپاسگزارم.

اینک به نظر می‌رسد باهمت دانشجویان گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی قزوین و همکاری معاونت محترم فرهنگی دانشگاه قرار است سری دوم آسمانه، با موضوعات تخصصی معماری به حیات خود ادامه دهد. البته این خبر خوبی بود که آقای ابوالفضل کربلایی حسینی غیاثوند که از پژوهشگران دوره دکترای معماری هستند و مسئولیت جدید این مجله را به عهده‌دارند، به من دادند. موضوع شماره اول مجله، معماری قهوه‌خانه است که البته موضوع قابل‌تأملی است و درگذر تاریخ به دست فراموشی سپرده شده است. قهوه‌خانه‌ها نه‌تنها یک پایگاه برای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بوده‌اند، بلکه ارزش‌های مذهبی و دینی نیز در این مکان‌ها، در قالب نقالی و نقاشی، حفظ و تداوم حیات می‌یافتند. در این شماره مطالب و تصاویر بسیار ارزشمندی از مفاهیم معماری قهوه‌خانه‌ای دیدم که در کنار مصاحبه خانم یگانه صدری مجموعه‌ای هنرمندانه و دل‌نشین شده است. در پایان از اینکه به بنده این اجازه داده شد یادداشتی در این مجموعه داشته باشند بسیار سپاسگزارم.

سخن آغازین

معماری از آغاز خلقت بشر، با توجه به فرهنگ مخاطب خود، همواره همراه انسان بوده و درگذر زمان به تکامل رسیده و باعث خلق آثاری شده است که درواقع آنها را می‌توان یادمان‌هایی از تاریخ و تمدن بشریت دانست. لیکن موضوع این نوشتار، یکی از دغدغه‌های همیشگی معماران، یعنی تئوری معماری است؛ که درواقع تعیین‌کننده‌ی مسیر و خط‌مشی معماری و معماران در دوره‌های مختلف بوده و هست. در این راستا، رساله‌ها و نشریات معماری می‌توانند همگام با جامعه حرفه‌ای، گام‌های ارزشمندی را در تحقق اهداف معماری معرفی و تحلیل مبانی فکری و تئوریک آن بردارند.

باعث افتخار است که بار دیگر نشریه آسمانه دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین که بیش از این با تلاش اساتید بنده انتشار می‌یافت، بار دیگر به پیروی و اتکا به این پیشینه‌ی درخشان خود، به دنبال پژوهش‌های بیشتر در حوزه معماری و شهرسازی بعد از گذشت تقریباً ۶ سال از آخرین شماره خود باشد. همچون شماره‌های پیشین نشریه، سعی بر آن است تا با الگو و رهیافتی نو و با حفظ روحیه علمی و تخصصی و با استفاده از گردآوری مقالات، مصاحبه‌ها و... از اساتید صاحب‌نظر، موضوعات مهم معماری معاصر کشور را مورد بررسی قرار دهیم. انتخاب موضوعات نشریه، بر اساس نیازهای روز معماری و شهرسازی و با مشورت شورای تخصصی نشریه، برنامه‌ریزی و تعیین می‌گردد. مجموعه حاضر درواقع تلاش و همفکری جمعی از اساتید و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی قزوین است که سعی شده در آن، بخشی از آگاهی و توانمندی‌های ایشان به نمایش گذاشته شود. در ساختار نشریه، علاوه بر یادداشته‌ها و مقالات مرتبط با موضوع اصلی هر شماره، بخش‌هایی نیز برای بهنگام سازی دانشجویان با اخبار دانشکده معماری و شهرسازی، رویدادهای مهم دنیای معماری و معرفی آثار و تازه‌های کتاب نیز در نظر گرفته شده است. امید است جهت تداوم این حرکت اساتید گران‌قدر و دانشجویان گرامی با همراهی علمی خود، ما را یاری کنند تا بتوانیم مجموعه‌ای متناسب با دیدگاه‌های ارزشمند ایشان فراهم نماییم.

بسیار شایسته است از که از زحمات ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی قزوین جناب آقای دکتر موسی خانی و همچنین معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه جهت فراهم نمودن بستری مناسب برای فعالیت نشریات دانشجویی کمال تشکر را داشته باشیم. همچنین از ریاست محترم دانشکده معماری و شهرسازی، جناب آقای دکتر سلطان‌زاده به دلیل حمایت‌های همیشگی ایشان و همچنین زحمات معاونت محترم پژوهشی دانشکده سرکار خانم دکتر ارمغان و مشاور علمی نشریه، جناب آقای دکتر سهیلی صمیمانه تشکر می‌کنم.

ابوالفضل کر بلائی حسینی غیاثوند

مدیرمسئول نشریه علی- تخصصی آسمانه

خرداد ماه ۱۳۹۷

سخن سردبیر

قهوه خانه‌ها، کافه‌ها و در مفهوم کلی‌تر تمام ویژگی‌های که پاتوق را شکل می‌دهد به منظور ارتباط‌هایی با کیفیت‌های متفاوت و روایت‌های گوناگونی است که فرد را به بخش یا بخش‌هایی از اجتماع نزدیک تر می‌کند. همچنین قهوه خانه‌ها و کافه‌ها نیز طبعاً برای پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده‌اند. یکی از ویژگی‌های مهم این فضاها مکان سوم است که اهمیت گفت و گو و امکان آن را فراهم می‌کند؛ حال با رشد فضاهای مجازی و علم بر انواع آسیب‌های این مسیر که بعضاً باعث انحطاط ارتباط‌های اجتماعی شده است و همچنین اهمیت برقراری ارتباط بصری (که خود در مفاهیم گوناگون مطرح می‌شود) برای انسان که به عنوان اجتماعی‌ترین موجود این کره خاکی شناخته می‌شود، بر آن شدیم تا با انتخاب موضوع قهوه خانه‌ها و کافه‌ها و بررسی طبقه بندی شده‌ی ارزش‌های منحصر به فرد این فضاهای جمعی، به عنوان یک مکان رویداد، نگاهی بیاندازیم.

کافه‌های امروزی را شاید بتوان شکل مدرنی از قهوه‌خانه‌ها دانست که در دوره صفویان پدید آمد. قهوه خانه‌ها همچون یک نهاد اجتماعی فرهنگی در جامعه سنتی شهرهای ایران عمل کرده است و در طول حیات خود، در هر زمان و دوره، به اقتضای اجتماعی هر شهر، محله و... با مردم جامعه و فرهنگ مردم در ارتباط بوده است. همچنین نهاد قهوه خانه، بستری فرهنگی را پدید آورده است که در حفظ و استمرار ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی نسل‌های گذشتگان و احیاء و تقویت آن برای نسل‌های آینده گام برداشته است. با توجه به اهمیت تاریخ به منظور حفظ و احیاء این ویژگی‌ها، به عنوان یک فضای جمعی و دارای هویت، لازم دانستیم که در بخش‌هایی از این شماره، به مطالعاتی در رابطه با قهوه خانه و دستاوردهای این فضا (اجتماعی، فرهنگی، شهری، هنری و...) ارزشمند بپردازیم. همچنین در این شماره به اختصار از معماری قهوه خانه‌ها، هنرهای قهوه‌خانه‌ای، بررسی قهوه خانه‌های سنتی ترکیه، کافه و کافه نشینی، از قهوه خانه تا کافه، قهوه‌خانه‌ها و کارکرد آنها در شهر، و... بیشتر می‌خوانیم.

ابوالفضل کر بلائی حسینی غیاثوند

مدیرمسئول نشریه علی- تخصصی آسمانه

خرداد ماه ۱۳۹۷

معماری قهوه‌خانه

نویسنده: کسری کاوسیان

همیشه آب پاک و روشنی از اطرافش فرو می‌ریخت و هنگام شب زمین نیز از انعکاس چراغ‌های سقف و چراغ‌های دیگری که در اطراف حوض می‌چیدند، چون آسمانی پرستاره به نظر می‌رسید. قهوه‌خانه‌های سنتی با آرایه‌های بسیار زیادی آراسته می‌شده است. پرده‌های نقاشی از چهره‌های قهرمانان حماسی و صحنه‌های پرهیجان داستان‌های شاهنامه و داستان نامه‌های مذهبی و جنگ‌های حضرت امیر مؤمنان و وقایع و مصائب کربلا، عکس‌هایی از نامداران تاریخ ورزش و پهلوانی ایران، از جمله آرایه‌های مخصوص قهوه‌خانه‌ها بوده است.

معماری قهوه‌خانه‌ها از دوران صفویه و قاجاریه تغییر فاحشی نکرده و تقریباً دارای نقشه واحدی است. دیوارهای این قهوه‌خانه‌ها به بلندی یک متر و گاه یک متر و نیم از کاشی‌های مزین به تصاویری خیالی از شاهان داستانی و تاریخی ایران پوشیده شده است و سکویی نیز به بلندی یک صندلی یا نیمکت در سراسر محیط قهوه‌خانه که بسیار ساده ساخته بودند (و هرگاه مشتریان تمام سکوها را اشغال می‌کردند، روی نیمکت‌های دراز پایه آهنی ساخته‌شده و روبه‌روی سکو نهاده شده بود) می‌نشستند و چای می‌نوشیدند و گفتگو می‌کردند. سکوی نقال یا در وسط قرار داشت و جمعیت گرداگرد آن می‌نشستند، یا در سه طرف و یا دو طرف آن، و از دوره قاجاریه به بعد، روبه‌روی آن می‌نشستند. معمولاً صحنه‌های مهم و جذاب مانند صحنه شکار یا نبرد پهلوانان که موقعیت مناسبی برای نشان دادن قابلیت‌های بازیگری نقال بود، روی سکو صورت می‌گرفت. پس‌ازآنکه سکو (صحنه) در قهوه‌خانه‌های معاصر حذف شد، دیگر هیچ محدوده مکانی خاصی به‌عنوان فضای صحنه‌ای برای کنش نقال وجود نداشت و درواقع، عمل نمایشی نقال بود که خودبه‌خود در هرجایی از قهوه‌خانه حتی لابه‌لای جمعیت، صحنه نمایشی را به وجود می‌آورد.

است. قهوه‌خانه‌های قدیم و سنتی معمولاً مطابق با بافت خاص معماری شهرها و نوع فرهنگ نیازهای اجتماعی جوامع شکل‌گرفته است. با همه این‌ها به سبب ویژگی‌های کاربری مشترک و مشابهی که قهوه‌خانه‌ها در ایران داشته است، ارکان و عناصری همانند در معماری آن‌ها و آرایه بندی‌هایشان دیده می‌شود.

در عهد شاه‌عباس، در بیشتر شهرهای بزرگ ایران مخصوصاً در قزوین و اصفهان قهوه‌خانه‌های متعدد دایر شده بود. در اصفهان قهوه‌خانه‌های معروف بیشتر در اطراف میدان نقش‌جهان بود. قهوه‌خانه‌های متعدد در اصفهان بزرگ بود و دیوارهای سفید پاکیزه داشت. درهای قهوه‌خانه از چند سو به خارج باز می‌شد و بیشتر آن‌ها را به یک اندازه می‌ساختند. غالباً میان آن‌ها دیوار یا پرده‌ای نبود و از درون هر یک قهوه‌خانه همسایه نیز دیده می‌شد و چنان می‌نمود که آن‌همه یک دستگاه است. در اطراف قهوه‌خانه طاق‌نماها و شاه‌نشین‌هایی ساخته بودند که با قالی و فرش‌های دیگر مفروش و نشیمن مشتریان و تماشاگران بود و همه در آنجا بر زمین می‌نشستند.

شب‌ها چراغ‌های فراوانی را که از سقف قهوه‌خانه فرو آویخته بود، می‌افروختند. در میان قهوه‌خانه هم حوضی بزرگ بود که

درگذشته در شهرها، برای هر پنجاه خانوار بازارچه‌ای سقف‌دار احداث می‌شد. قهوه‌خانه‌هایی محل جمع شدن جوان‌ها و مردان و صنوف مختلف در آن بازارچه‌ها بود. معماری ساختمان قهوه‌خانه در ابتدا مشخص نبود. قهوه‌خانه را در هر فضا و مکانی بدون در نظر گرفتن کاربری سابق آن آماده و برپا می‌کردند. در اصفهان قهوه‌خانه‌های میدان نقش‌جهان در ایوان بدنه شمالی میدان دایر بود. ایوان‌ها را طاق‌هایی چند تقسیم می‌کردند و در هر قسمت قهوه‌خانه‌ای دایر بود. همه قهوه‌خانه‌ها به هم راه داشتند و دهانه هر قهوه‌خانه رو به میدان و معبر مردم گشوده می‌شد. دورتادور فضای درونی هر قهوه‌خانه سکوی نیم‌دایره‌ای بود که روی آن چند طاق‌نما و شاه‌نشین آجری بسته بودند. در وسط فضای قهوه‌خانه هم حوضچه‌ای سنگی قرار داشت که آب جاری در نهر میدان از شیرابه‌ها و فواره‌های سنگی پیرامون آن در حوضچه می‌ریخت. بعدها برای ساختن فضایی مناسب با کاربری قهوه‌خانه از معماری ساختمان ایوان‌های میدان نقش‌جهان و سبک معماری سر بینه حمام‌های عمومی، سکو و صفحه‌ای تکیه الگو گرفتند. چون کاربری قهوه‌خانه به لحاظی کم‌وبیش مشابه کاربری سر بینه حمام بود.

سبک معماری قهوه‌خانه در ایران بر اساس یک طرح و الگوی معین و عام نبوده



● قهوه‌خانه‌ای یوزباشی ●

مرکزی را در خانه‌ها بازی می‌کند. گویا حیاط هم مابین حوض و اتاق‌های گرداگرد آن قرار دارد.

کافه‌های جدید از نظر معماری و فضا سازی‌های داخلی آن و نحوه کاربری با قهوه‌خانه‌های سنتی متفاوت است. به طور کلی قهوه‌خانه‌های سنتی از نظر چیدمان مرکزگرا هستند. در میان قهوه‌خانه حوض آب و گرداگرد آن تخت‌هایی است که برای استفاده‌کنندگان و مشتریان قهوه‌خانه تعبیه شده است. قهوه‌خانه‌های سنتی تا پیش از دگرگونی در اوضاع اجتماعی ایران مختص مردان است و زنان در این نوع مکان‌ها حضور ندارند. در چنین فضایی طبیعی است که تمامی آداب و جلوه‌های اجتماعی و فرهنگی و زبان و ادبیات رایج، رنگ مردانه داشته باشد. کافه‌ها به‌عکس قهوه‌خانه‌ها کثرت‌گرا هستند. چیدمان میزها و صندلی‌ها برای جلوس مشتریان در کافه‌ها، با چیدمان تخت‌ها در قهوه‌خانه‌های سنتی متفاوت است. با ورود به کافه، با تعدادی میز پراکنده در صحن عمومی مواجهیم که برگرد هر کدام صندلی‌هایی است که این خصوصیت برای هر میز و صندلی‌های اطراف آن، امکان شکل‌گیری یک محفل خصوصی را فراهم می‌کند.

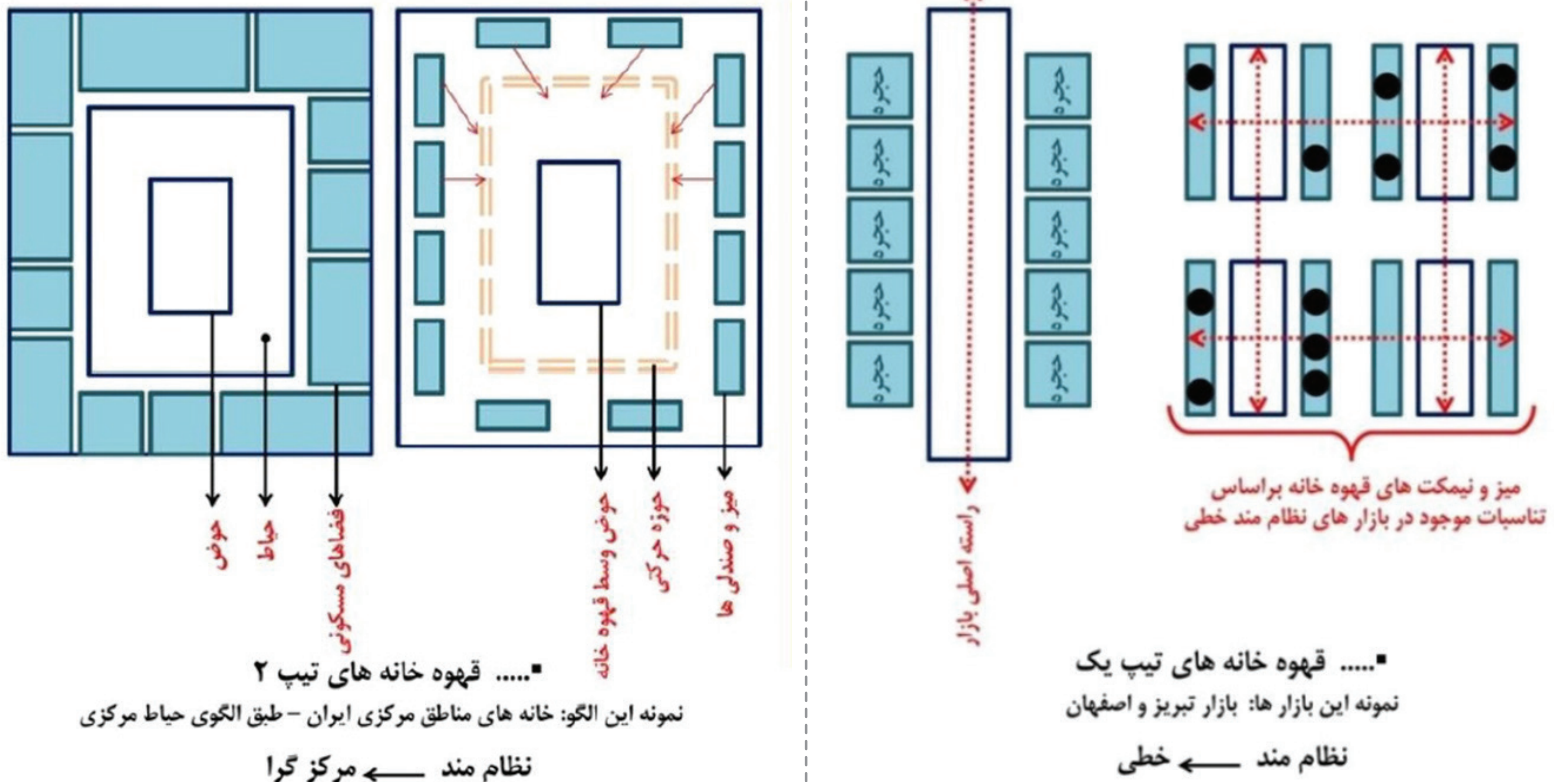
با توجه به تغییراتی که پس از ورود تلویزیون و رادیو به قهوه‌خانه‌ها در معماری این فضا ایجاد شد، دیگر اثری از قهوه‌خانه‌های سنتی و اصیل سابق دیده نمی‌شود. پس از مدتی به دوره گذار آرام و تغییر تحولات قهوه‌خانه‌ها می‌رسیم که همسو با به وجود آمدن کافه‌های جدید در بافت کالبدی و معنوی جامعه بود. در ادامه به مقایسه چیدمان در کافه‌ها و قهوه‌خانه‌ها و ویژگی کالبدی کافه‌ها می‌پردازیم.

تیپ اول قهوه‌خانه‌ها: این قهوه‌خانه‌ها به سبک چیدمان بازاری و خطی‌اند؛ به گونه‌ای که یک میز کشیده با عرض نه‌چندان زیادی در میان قرار دارد و در دو طرف آن، تختی یکسره که تمام طول میز را دنبال کرده است. به صورتی که افراد رو به روی هم روی این تخت‌ها می‌نشستند. این تیپ از قهوه‌خانه‌ها، شبیه به معماری بازارها هستند به طوری که تخت‌ها حکم یک ردیف حجره‌های بازاری را بازی می‌کنند و مسیر آمد و شد نیز میان دو تخت کشیده شده است.

تیپ دوم قهوه‌خانه‌هایی سنتی هستند که از نظر چیدمان مرکزگرا هستند مانند معماری خانه‌های سنتی ایرانی، به طوری که فضای میانی بین حوض و تخت‌ها در قهوه‌خانه، همان نقش حیاط

در معماری قهوه‌خانه ردپای معماری تکایا نیز به وضوح قابل‌رؤیت است. در معماری تکایای قدیم (نظیر تکیه دولت) عناصری چون سکوی میانی جهت برگزاری نمایش تعزیه و سکوهایی برای نشستن افراد و تماشای مراسم در نظر گرفته می‌شد. در حقیقت افراد بر روی این سکوها و به دور صفاه برگزاری مراسم وسط، می‌نشستند و ارتباطی مستقیم با بازیگران برقرار می‌کردند. در حقیقت عملکرد قهوه‌خانه ترکیبی است از بخش تفریحی حمام‌ها و کارکرد نمایشی تکایا. از این رو معماری این فضا نیز تحت تأثیر شاخصه‌های مرتبط با عملکردهای مذکور است. وجود سکوهایی در اطراف فضای نمایش برای نشستن افراد (در حال نوشیدن قهوه و کشیدن قلیان)، وجود سکویی (در قهوه‌خانه‌های قدیمی) به‌عنوان محل ارائه نمایش، طاق‌نماهای بالای سکوهایی تماشاچیان، حوض آب وسط قهوه‌خانه و شاخصه‌هایی از این دست نشانگر این ارتباط است.

در تصاویر قدیمی موجود قهوه‌خانه فضایی است ساده، به همراه طاق بندی‌هایی که سکوهایی محل نشستن افراد در بین این طاق‌ها تعبیه شده است. افراد بر روی این سکوهایی مفروش با زیلو و یا قالیچه‌های زیبا و حتی برخی بر روی زمین مستقر می‌شدند. اما





شاید یکی از دلایل مهمی که افرادی باریشه‌های فکری خاص در کافه‌ها بیشتر حضور پیدا می‌کردند تا در قهوه‌خانه‌ها، همین چیدمان و مبلمان آن‌ها بوده است به طوری که فرد دوست دارد در گوشه‌ای بنشیند و جمعی خصوصی‌تر را در اطراف داشته باشد. در ادامه با توجه به مطالبی که در خصوص ویژگی‌های نقالی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای بیان شد، به بررسی تأثیر این دو هنر شاخص در معماری قهوه‌خانه در قالب جدول ۱ پرداخته خواهد شد.

از ویژگی‌های کالبدی کافه‌ها، چیدمان داخلی و نحوه مبلمان آن‌ها است که متفاوت با چیدمان فضایی در فضاهای جمعی سنتی نظیر خود، از جمله قهوه‌خانه‌ها بوده است که در جذب افراد با سلايق و ریشه‌های فکری جدید و ایجاد آسایش دهی، از فضا مؤثر بوده است. همین شکل چیدمان بر سادگی فضا، درعین حال عدم تمرکز آن تأکید می‌کند و راه را برای انتخاب مکانی دنج و یا خودمانی‌تر برای افراد مناسب می‌سازد. از دیگر ویژگی‌های کالبدی این فضاها، تراس‌های گشوده رو به حیاط و خیابان بوده است که بر معماری با محور درون‌گرایی دوره مدرنیته خواه پهلوی تأکید می‌کند. داشتن ورودی‌های انحصاری و منفرد و حس دعوت‌کنندگی رازآلود و نماهای آجری و متقارن از دیگر ویژگی‌های این فضاها می‌باشد.



●● حمام سلطان امیر احمد کاشان ●●

ویژگی معماری	ویژگی مؤثر در نقالی	ویژگی مؤثر در نقاشی قهوه‌خانه‌ای
قرارگیری در محلی استراتژیک و پرتدد	- انتخاب داستان توسط خود راوی - حرکت بین زمان نقل روایت و زمان خود داستان (بیان داستان قدیمی در قالب مفاهیم امروزی) - به‌کارگیری نشانه‌های زمانی مستقیم، غیرمستقیم، دارای دلالت ضمنی - استفاده از شاخص‌های زمانی در گفتمان نقالی	- استفاده از آیات و احادیث در موضوعات پیش از اسلام - انعکاس شرایط زمانی و مکانی هنرمند در نقاشی
سادگی در فضای قهوه‌خانه	- استفاده از اصطلاحات عامیانه - سادگی چهره راوی	- پرهیز از چهره‌پردازی نمایشی - عدم وجود مدل در نقاشی - محدودیت حالت و حرکت - نوشتن نام شخصیت در کنار تصویر - صراحت در نقاشی - عدم وجود سایه‌روشن - عدم وجود پرسپکتیو کلاسیک
وجود نقطه تمرکز در فضا (سکوی نقالی)	- فرستادن صلوات در بخش‌های مختلف نقل	ابعاد بزرگ شخصیت‌های اصلی - شخصیت‌های اصلی در مرکز پرده - مقیاس بزرگ در تصاویر اغلب مذهبی - قرارگیری برخی داستان‌های مشخص در مرکز داستان
عدم بسته بودن فضای قهوه‌خانه	- استفاده از اصطلاحات عامیانه	- انعکاس شرایط زمانی و مکانی هنرمند در نقاشی - تنوع زیاد طرح‌ها در پرده نقاشی
عدم محدود شدن ارتباط بصری داخلی	- حرکت نقال از روایت به بازی و از بازی به روایت - برقراری رابطه مستقیم با مخاطب	- انعکاس شرایط زمانی و مکانی هنرمند در نقاشی - تنوع زیاد طرح‌ها در پرده نقاشی
تقسیم‌بندی فضایی	- رعایت تسلسل و مراحل در نقالی	- فشردگی بسیار طرح‌ها و جداسازی آن‌ها با قاب‌بندی - ابعاد کوچک شخصیت‌های فرعی
ارتباط با طبیعت	- به‌کارگیری انواع گونه‌های ادبی	-
تزئینات	- به‌کارگیری انواع گونه‌های ادبی - استفاده از اشعار و حکایات کوتاه در مقدمه - خواندن اشعاری در بین نقل داستان	- چهره ناآرام اشقیاء (نماد نفسانیت و زندگی دنیوی) - وجود ریزه‌کاری در تمام بخش‌های اثر
استفاده از ابزارهایی نظیر تبرزین و کشکول (تزئینات)	- به‌کارگیری برخی حرکات ویژه و نمادین در هنگام نقل - به‌کارگیری ابزارهای خاص نظری چوب‌دستی در هنگام نقل - اشعار و حکایات کوتاه در مقدمه - خواندن اشعاری در بین نقل داستان	- چهره آرام و متین اولیا و چهره ناآرام اشقیاء - ابعاد بزرگ شخصیت‌های اصلی - بهره‌گیری از نشانه‌های تصویری و نقوش نمادین - فضاهای مقدس و بهشتی در بالای پرده و فضاهای زمینی در پایین پرده - قرارگیری تصویر به‌گونه‌ای که دست راست که شمشیر در آن است رو به تماشاگر باشد - به‌کارگیری رنگ‌های محدود و نمادین (نظیر سبز و سرخ) - خیالی سازی

● جدول ۱. ویژگی‌های معماری و هنری قهوه‌خانه‌ها ●

<p>احمدی، توحید (بی‌تا). قهوه‌خانه آذری. جستارهای شهرسازی احمدی، رحمان. روزی روزگاری قهوه‌خانه در ایران. ۱۳۹۳</p> <p>افشار نادری، کامران. فضای معماری و فضای زندگی. معمار، دوره ۲، شماره ۲. ۱۳۷۷</p> <p>شیبانی، منوچهر. معماری و تزئینات اسلامی. هنر و مردم شماره ۵ و ۶. ۱۳۳۱</p> <p>نجم، سهیلا. هنر نقالی در ایران. تهران: فرهنگستان هنر. ۰۹۳۱</p>	منابع
---	-------

نقاشی قهوه‌خانه‌ای

گفت و گو با سرکار خانم یگانه صدری
مصاحبه‌کننده: آقای فرید توکلی

که ماهیت بی‌پیرایگی این شاهنامه یادآور دیرین کتاب‌نگاری غیر درباری شیراز است. تصویری از آن با نوشته، سادگی‌اش و مردم‌واریش را می‌توان الگویی یا آغازی برای نقاشی سبک قهوه‌خانه دانست.

نقاشی قهوه‌خانه: این سبک که در زمان مشروطه قاجار رخ داد بازتابی صادق و اصیل از هنرمندان عاشق، دل‌سوخته، محروم، مظلوم، ساده‌دل و این صفات از کوچه و بازار است. نقاشی‌ها که سابقه نقاشی عامیانه مذهبی از دوره صفویه، زمانی که تشیع گسترش یافت آغاز شد و به‌دوراز جو و فضا و سلیقه‌ی دربار بود. به عبارتی برخاسته از فرهنگ روستایی شهرستانی (نمونه آن در شیراز از شاهنامه داوری داریم) به‌موازات هنر درباری رشد می‌کرد؛ البته نقاشی سبک قهوه‌خانه جریانی متفاوت

بازار هنر رونق تازه‌ای یافت. نقاشی‌های این دوره تشکیل‌شده از گل‌ها و پرندگان و تک‌چهره زنان که معمولاً چاق یا چهره گرد و چشمان درشت مجسم می‌شدند و نیز دارای چین نازک شلوار لوله‌ای گشاد و نیم‌تنه بلند و موهایشان با کلاه و یا نیم تاج آراسته‌شده بود و مردان با چهره بدون ریش و موی کم و جامه چسبان و شالی بر کمر تصویر می‌شدند. دیگر موضوعات، زوج‌های دل‌داده، سوارکاران و شکارچیان بودند که با این احوالات هیچ‌گاه به‌صورت هنر شکوهمند متجلی نشد.

از دیگر هنرهای شناخته شده و جهانی سبک قهوه‌خانه‌ای است که دارای شناسنامه معتبر و ویژگی‌های منحصر‌به‌فرد می‌باشد. از ویژگی‌های دوران قاجار شاهنامه داوری به نقاشی لطفعلی می‌باشد

- لطفاً پیدایش هنر قهوه‌خانه و جایگاه آن در تاریخ هنر را به‌طور خلاصه توضیح دهید.

- هنر ایران از ابتدا دویعدی بوده و با خیال سروکار داشته است. نقاشی قهوه‌خانه در دوران جنبش مشروطه قاجار به وجود آمد. برای درک درست نقاشی قهوه‌خانه ابتدا از دوران صفویه شروع می‌کنیم که درهای ایران به روی غرب باز شد. با شروع سلطنت شاه‌عباس اول، اواخر قرن ۱۰ و ۱۱ هنرهای ایران از نو رونق یافتند. باوجوداین رونق و حمایت از خطاطی در خلافت به انواع گوناگونی ظهور یافت. در نقاشی، هنر از انحصار دربار خارج و تا اندازه‌ای مستقل گشته و به خانه‌ی اشراف و ثروتمندان راه یافت. رضا عباسی شیوه‌ی جدیدی در طراحی پیکره‌ها پیدا کرد، یعنی از محدودیت‌های دربار در مورد مردم‌نگاری خارج و تجربه‌های موردعلاقه‌اش را دنبال کرد. طراحی‌های او بیشتر به ارزش‌های بصری خط استوار بود که تجانس با خوش‌نویسی خط نستعلیق دارد. کم‌کم پیوند نقاشی و ادبیات سست شد و تک‌نگاره‌های مردمی از دنیای واقعی مانند شبانان، زنان شیردوش، درویشان، پزشکان، مسافران و زائرانی که همدیگر را ملاقات می‌کنند با جزئیات دقیق‌تر از پیش به وجود آمد.

درنهایت دیوارنگاری در مقایسه با سطح کوچک تصویرسازی در کتاب، حس ظرافت‌کاری که از ویژگی‌های نقاشی ایرانی بود، کم‌کم از دست رفت. در زمان شاه‌عباس دوم، دیوارنگاری پیشرفت کرد و نقاشی‌های چهل‌ستون اصفهان که مضامین مجالس بزم و رزم دارد شکل گرفت؛ بعدها در نقاشی قهوه‌خانه مجلس رزم باقی‌مانده و مجلس بزم جایش را به موضوع‌های دینی داده است. با تمام موارد ذکرشده نقاشی ایرانی در واقع‌گرایانه‌ترین بازنمودش بازهم به شیوه دویعدی خویش وفادار است که هم در نقاشی‌های چهل‌ستون پیداست و هم در زمان نادرشاه، برجسته‌نمایی‌ها، ژرف‌نمایی‌ها و جامه‌سازی‌ها، همه سطحی و دویعدی است.

در دوره کریم‌خان زند، یک‌بار دیگر



خداجویی یا اسطوره‌شناسی همیشه به دنبال این نشانه‌ها بوده است. از همین رو به دلیل اینکه در قرآن از واژه‌ی اسطوره جهت راه خداجویی نادرست و دروغ، استفاده شده است. فرهنگستان لغت واژه HTYM را به معنی نشانه، آیه یا همان آیت و راز و رمز ترجمه کرده که همان خداجویی از راه صحیح آن می‌باشد. حال آنکه ما در زبان فارسی htym را همان اسطوره ترجمه کرده یا همان علم خداجویی که منتهی به ادیان شده اند می‌دانیم. در زمان یونان باستان که اساطیر فراوان



● زن جوان - نقاشی دوره قاجار ●

و نوتر است. این نوع نقاشی از علاقه ملی، اعتقادات مذهبی بر خواسته از لایه‌های طبقه متوسط مردم شهری بود. نقاشی‌ها پرده کشی از بقعه‌های متبرکه، نقاشی پشت شیشه با موضوعات مذهبی، داستان‌های شاهنامه و خمسه نظامی، وقایع کربلا، قصص قران، حکایت‌های عامیانه با تکنیک رنگ‌روغن بود. نقاشی‌ها در دکان‌ها (قصه جوانمرد قصاب) قهوه‌خانه‌ها، تکیه‌ها از زبان نقال، تعزیه‌خوان، مداح و روضه‌خوان به همان‌گونه که در ذهن مردم کوچه و بازار بود، تصویر و نقل می‌شد. قهوه‌خانه‌ها خاستگاه اصلی این نوع نقاشی است چون پیوند نزدیکی با نقالی داشت. سفارش‌دهندگان عمده آن قهوه‌خانه‌ها بودند. البته در تکیه‌ها و زورخانه‌ها، دکان‌ها، حمام‌ها آویخته و نقل انجام می‌شد. نقاش از میان همین گروه‌ها درمی‌خواست. هر نقاش بنا به ایمان علاقه و تجربه خود و فن پرده‌نگاری، بیان و اسلوب خاصی برحسب سلیقه خود بکار می‌برد. هدف این نقاشی صراحت و سادگی بیان و اثرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطب بود. او به‌طور معمول نام اشخاص را در کنار تصویرشان می‌نوشت. پایبندی به روایتگری واقع‌گرایانه او را از تمثیل و خیال و تشبیه بازنمی‌داشت.

-عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نقاشی قهوه‌خانه‌های را چه میدانید؟

-سیاست، سنت، جامعه و هنر از هم جدا نیستند. از نظر سنت سابقه نقاشی عامیانه مذهبی از دوره صفویه که تشیع گسترش یافت به‌گونه‌ای آغاز شده بود و با تمام تأثیر بازنمود غرب و طبیعت‌گرایی هم چنان سنت دوبعدی را در آثار نقاشی از دست نداد. در سیاست ظلم موجود و استبدادی که حکومت قاجار به وجود آورده بود و عامه مردم را تحت فشار قرار داده بود، جنبش مشروطه در جهت برقراری عدالت به وجود آمد و در نقاشی نیز نقاشی دربار بیشتر بزمی و تشکیل‌شده از زنان و رقصندگان با پیکره‌های فاخر پوش و سرشار از تزیینات تجملی جواهرات و خال‌کوبی‌ها و پاهای حنا بسته، هیچ‌گونه همخوانی با طبقه متوسط و زحمتکش جامعه ندارد و از همین رو، از دل همین مردم هنرمندانی پیدا می‌شوند که با زبان و دل مردم هم‌زبان باشد و بزم جایش را به رزم در جهت عدالت‌خواهی دهد.

-از نظر نشانه‌شناسی چه ارتباطی بین این نوع نقاشی و خیال و اسطوره وجود دارد؟

- شناخت حسی و ادراک بشر از چیستی و چرایی هستی (اسطوره) مقدم بر شناخت عقلانی و استدلال (فلسفی) قرار دارد. حس خداجویی در ذات بشر همیشه وجود داشته است و در پی یافتن قدرت ماورایی به وجود آورنده‌ی هستی ابتدا اساطیر یا همان ایزدان و الهه به وجود آمدند تا که در طول زمان به مسیر درست آن یعنی ادیان الهی رسیدند.

در زمان اعتقاد به اساطیر که در ذهن و خیال تشکیل می‌شود می‌توان گفت که هنر ارتباط تنگاتنگی با اسطوره که همان ذهن و خیال است، دارد. زبان اسطوره شعر و تشبیه و استعاره و همان دنیای خیال است. علم

را حفظ کرده و مبانی تجسمی خود را تثبیت کرده است. مهم‌ترین این ویژگی‌ها دوعبدي بودن، چکیده نگاری یا ساده‌سازی و در عین واقع‌گرایی تاریخی آن با داستان‌های خیالی مردمی درهم‌آمیخته شده است؛ یعنی موضوع‌ها هیچ‌کدام از مدل واقعی پیروی نکرده و زاینده فکر و خیال هستند به عبارتی بیان ذهن و فکر هنرمند به ساده‌ترین شیوه تجلی پیدا می‌کند. جایگاه کنونی این هنر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

- جایگاه هنر نقاشی قهوه‌خانه‌ای به دلایل گوناگون ازدست‌رفته است. پس از قدرت گرفتن پهلوی اول یا رضاشاه به همان دلیلی که بیشتر قدرتمندان سعی می‌کنند روال حکومت قبلی را از بین برده و قوانین خود را مستحکم کنند، در هنر نیز چنین اتفاقی افتاد. رضاشاه که از هنر و درک آن بی‌بهره بود هنر قاجار را دنبال نکرد هیچ، بلکه سعی در نابود ساختن آن کرد. چه نقاشی‌های درباری و چه هنر مردمی قهوه‌خانه را تاراج کرد یا فروخت یا از بین برد. پرده‌ها در قهوه‌خانه‌ها و تکیه‌ها نیز شامل این تاراج شدند تا جایی که هنرمندان نقاشی قهوه‌خانه که روزگاری خوش می‌زیستند به نان شب محتاج شدند. در دوره پهلوی دوم خانم فرح دیبا که از هنر سررشته داشت متوجه این موضوع شد و سعی کرد نقاشی‌های دوره قاجار را تا جاییکه امکان داشت از کشورهای غربی خریداری و به ایران بازگرداند. این وقفه و جهانی‌شدن هنر به یک‌زبان، جامعه ایران را نیز فراگرفت و سبک‌های رایج غربی ابتدا نقاشی قهوه‌خانه را به فراموشی سپرد و دیگر اینکه ابتدا سبک‌های متداول غربی ایرانی‌زده شدند و سبک نقاشی سقاخانه به وجود آمد که از همان زبان بین‌المللی مبانی هنرهای تجسمی پیروی کرد اما نمادها و نشانه‌های ایرانی داشت ولی امروزه همان هم وجود ندارد و هنر ایران هم دچار دهکده جهانی شده و کمتر و کمتر نشان و نماد ایرانی را در هنر نقاشی می‌یابیم.

وجود داشتند، سقراط حقیقت یا همان خدا را یکی دانست و گفت که حقیقت یکی است و این همه تعدد ندارد. همان‌طور که می‌دانید هنر در خدمت اسطوره بوده چه از نظر معماری که معابد باشکوه برای خدایان ساخته چه در هنر مجسمه‌سازی که پیکره‌های خدایان بوده چه نقاشی که تصاویر خدایان رایج بوده و در تئاتر هم زندگی‌نامه خدایان اجرا می‌شده است. برای همین حرف اول در اسطوره همان خیال است.

لازم به ذکر است که در طی گذشت زمان اسطوره کارکرد اولیه خود را که خدایان گوناگون بود از دست داد و تبدیل به قهرمان شد. همان قهرمانی چون رستم که مردم را از دست ظلم و جور حاکم وقت برهاند؛ و امروزه اسطوره دوباره کارکرد اجتماعی خود را ازدست‌داده و تبدیل به شهرت شده است.

- تأثیراتی که هنر بر روی جامعه خود و به‌خصوص روی سواد بصری و ادبی مردم داشت چه بود؟

- از نظر مبانی هنرهای تجسمی که در قرن بیستم در غرب در مدرسه باوهاوس آلمان به رشته تحریر درآمد، هنر عکس‌گونه از دور خارج شد زیرا دیگر دوربین عکاسی وجود داشت و بهتر از نقاشی این کار را می‌کرد. خط از اسارت فرم خارج و از اهمیت بصری ویژه‌ای برخوردار شد و در ایران نیز نقاشی همیشه دوعبدي بوده و به‌دوراز طبیعت‌گرایی است. باینکه تأثیر طبیعت‌گرایی غرب تا حدودی وارد هنر ایران شد اما هیچ‌گاه هنر دوعبدي ایرانی تحت تأثیر قرار نگرفت و سنت خود را حفظ کرد. هنر که کم‌کم از انحصار دربار خارج شده بود و به خانه‌ی ثروتمندان و اشراف راه‌یافته بود، حال دیگر مردم عادی و متوسط جامعه را نیز فراگرفته و مردمی شده بود.

ویژگی‌های هنر نقاشی قهوه‌خانه که متفاوت از هنر درباری قاجار بود، کم‌کم برای خود اصولی پیدا کرد که تا امروز مردم واری‌اش



کشته شدن دیو به دست رستم
نقاشی قهوه‌خانه‌ای



نگاره‌ای از شاهنامه داوری
کشته شدن اکوان دیو به دست رستم

هنر قهوه‌خانه‌ای: گذار تا مکتب سقاخانه‌ای

نویسنده: فرید توکلی



• نگارگری قهوه‌خانه‌ای
داستان رستم و سهراب
اثر منصور وفایی

نقاشی قهوه‌خانه‌ای یکی از سبک‌های نقاشی ایرانی است که با درون‌مایه «روایت‌های رزمی، مذهبی و بزمی» در اواخر دوره قاجار و پهلوی اول درست هم‌زمان با جنبش مشروطه ایران اوج گرفت. مبدأ این هنر، سنت قصه‌خوانی و مرثیه‌سرایی و تعزیه‌خوانی در ایران است که پیشینه آن به سده‌ها پیش از ایجاد قهوه‌خانه‌ها و چای‌خانه‌ها می‌رسد. پس‌از آن در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ خورشیدی، این شیوه مورد توجه هنرمندان مدرنیست ایرانی به‌ویژه اهالی «مکتب سقاخانه» قرار گرفت. در نتیجه خواستگاه هنر قهوه‌خانه‌ای نه تنها به قهوه‌خانه محدود نمی‌شود بلکه امتداد آن‌هم به رکود تأثیرگذاری قهوه‌خانه‌ها منتهی نمی‌شود و این هنر خواستگاه و منبع الهامی است برای یک مکتب نو و مدرن در ایران به نام «مکتب سقاخانه‌ای» که شاید این مکتب هم عمر زیادی در جریان هنری ایران مدرن نداشت (پویایی این جریان محدود به دهه ۲۰ و ۳۰ خورشیدی می‌شود) اما تأثیر بسیار زیادی روی هنرمندان دوران خود داشت که امروز جریان فکری آن‌ها تاریخ هنر مدرن ایران را می‌سازد.

مکتب سقاخانه‌ای

مکتب سقاخانه، یکی از مهم‌ترین - شاید مهم‌ترین - جریان‌های هنری «هنرنوگرا» در دوره معاصر ایران، تفسیرهای بسیاری شده است. مکتب سقاخانه و هنرمندان این مکتب، در میان بحبوحه «سنت و تجدد»، «نو و کهنه» و «گذشته و آینده»، دست‌به‌کاری سترگ زدند. هنرمندان سقاخانه، دریافته بودند که می‌توانند با بهره‌گیری از گذشته خود، دوره جدیدی بسازند که متعلق به خودشان باشد. این دوره جدید که الزامات خاص خود را به همراه داشت، نیازمند توجهی جدی از سوی هنرمندان بود تا هم خودشان را در این بحبوحه از دست ندهند و هم‌بار دیگر هنر را در رابطه‌ای چند سویه با جامعه حفظ کنند.

هنرمندان سقاخانه، شاید بهتر از هر نحله‌ای در هنر نوگرای ایران، توانستند رسالت «خود بودن در عین متجدد بودن» را به انجام برسانند. آن‌ها با استفاده از ماده گذشته، طرح آینده را نشان دادند. طرحی که به‌رغم جدید بودن و روحی جدید داشتن، برگرفته از زمانی و مکانی بود که می‌توانست در ادامه هنر گذشته ایران زمین معنا شود. از این منظر، جایگاه هنرمندان مکتب سقاخانه جایگاه بس رفیع و مهم است. از طرفی، در میان تمام تفسیرهایی که شده است، به نقش مؤثر این هنرمندان در تعریف و بازتعریف «مدرنیسم» و «تجدد» در هنر معاصر، توجهی جدی نشده است. تفسیرهای ضدونقیض از این هنرمندان، چنان است که راه خوانشی واقع بینانه را سد می‌کند. تفسیرهایی که برخاسته از ایدئولوژی‌های مختلف نظیر سنت‌گرایی و سنت‌گریزی است، تصویر مبهمی از «سقاخانه‌ای» ها برجای گذاشته است.

تاریخ‌گرایی و تجدد در مکتب سقاخانه‌ای

مهم‌ترین جریان بازگشت به تاریخ در هنرهای تجسمی این دوره و یکی از جریان‌های بسیار مهم و حائز اهمیت در جریان هنر نوگرا «مکتب سقاخانه» است. در این نوشتار، این مکتب به این جهت حائز اهمیت است که: الف: سقاخانه‌ای‌ها در میانهٔ بحبوحهٔ بحث‌های سنت و تجدد، توانستند رویکرد یگانه‌ای را در دل «هنر جدید» ایجاد کنند؛ ب: سقاخانه‌ای‌ها مواد و مبادی و منشأ فکری و عملی کارهای خود را از ریشه‌هایی چون معماری بومی و عامیانه و معماری سنتی گرفتند که این موضوع به این جهت حائز اهمیت است که این هنر، در تعامل جدی با فضای اجتماعی و عامیانهٔ خود بوده است. از سویی این واقعیت را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که دست‌کم به گمان برخی: «گروه سقاخانه اولین گروه به‌معنای واقعی در نقاشی معاصر ایران بود که کسانی نظیر مسعود قندریز و مسعود عربشاهی و فرامرز پیلارام و صادق تبریزی و حسین زنده‌رودی- و بعدها پرویز تناولی- جستجویی را آغاز کردند که ده سالی طول کشید تا ثمر داد».

کریم امامی دربارهٔ منشأ شکل‌گیری سقاخانه و معرفی آثار آن‌ها، در نمایشگاهی که از آثار سقاخانه‌ای‌ها در موزهٔ هنرهای معاصر تهران برگزار می‌کند، توضیح می‌دهد و از زبان پرویز تناولی از مبدا شکل‌گیری سقاخانه می‌نویسد:

«روزی (حدود ۱۳۳۱) من و زنده‌رودی به حضرت شاه عبدالعظیم رفتیم و آنجا توجهمان به تعدادی تصاویر چاپی مذهبی که برای فروش عرضه‌شده بود جلب شد. در آن وقت ما هر دو در جستجوی انواعی از مواد و مصالح ایرانی بودیم که بتوانیم از آن‌ها در کار خود استفاده کنیم؛ و آن تصاویر مذهبی به نظرمان خیلی مناسب آمد. تعدادی از آن تصاویر را خریدیم و به خانه بردیم. از سادگی فرم آن‌ها، از تکرار نقش‌ها در آن‌ها و از رنگ‌های روشن و چشمگیر آن‌ها خوشمان آمد. اولین طرح‌هایی که زنده‌رودی با الهام از آن تصاویر کشید در واقع اولین کار سقاخانه‌ای هستند» (موزهٔ هنرهای معاصر، ۱۳۳۱).

با توجه به نوشتار فوق ارتباطی جدایی‌ناپذیر میان مکتب سقاخانه‌ای و معماری وجود دارد. یکی از این ارتباطات رابطه میان مکتب سقاخانه‌ای و مکتب آرت دکو است. مکتبی که در آن سال‌ها یکی از جریان‌های موفق معماری در نگاه عامیانه و قشر متوسط جامعه بود.



پاپ آرت و آرت دکو: ارتباط با مکتب سقاخانه‌ای

بعدتر با عنوان واقعاً چه چیزی خانه‌های امروزی را این چنین متفاوت و جذاب می‌کند؟ به یکی از مهم‌ترین آثار این جنبش تبدیل شد، به‌طورکلی پاپ آرت لندنی نسبت به همتای آمریکایی‌اش کمتر تهاجمی بود و بیشتر دیدگاهی رمانتیک و نوستالژیک داشت.

آرت دکو، یک جنبش هنری است که در قرن بیستم به وجود آمد. واژه آرت دکو از نام نمایشگاه بین‌المللی هنرهای تزئینی و صنعتی مدرن گرفته شده است. این جنبش بر معماری، تزئینات داخلی، سرامیک، مد، طراحی صنعتی و هنرهای دیگر تأثیرگذار بود. واژه آرت دکو را در نمایشگاه بین‌المللی ۱۹۲۵ میلادی ساختند، اما تا سال ۱۹۶۱ از آن خیلی کم استفاده می‌کردند. هنرمندانی که در این سبک کار می‌کردند تا سال ۱۹۶۱ گروهی ناشناخته بودند. در اولین سال‌ها آرت دکو را حرکتی در جنبه نوین‌گرایی (مدرنیسم) می‌شناختند که تحت تأثیر هنرهای سنتی ممالک دیگر مثل کشورهای آفریقایی، مصر یا مکزیک بود. اثر دیگر بسیار مهم روی آرت دکو فناوری‌های آن زمان بود، از قبیل رادیو، ماشین‌های صنعتی و غیره. کل این چیزها را در یک فرم حجم‌گری (کوبیسم) آینده‌گری (فوتوریسم) و فوویسم به کار می‌بردند.

با تطبیق زمانی پیدایش این دو مکتب (مکتب سقاخانه‌ای و آرت دکو) می‌یابیم که شروع دوران اوج هر دو در دهه ۰۴ هجری شمسی بوده (آرت دکو در دهه ۰۶ میلادی به اوج رسید) و مشخصاً مکتب سقاخانه‌ای تحت تأثیر آرت دکو بوده است؛ اما این خط سیر تأثیرپذیری مکتب سقاخانه‌ای از هنر قهوه‌خانه گرفت تا آرت دکو با اینکه هیچ سنخیتی با یکدیگر ندارند اما تناقضی هم در این میان وجود ندارد. در اینجا سخن والتر بنیامین را در کتاب «خیابان یک‌طرفه» فراموش نمی‌کنیم که «انسان را همواره در سفر به همراه یک کوله‌پشتی می‌داند».

کوله‌پشتی که فرهنگ، رسوم تفکرات و عقاید گذشتگان و اجداد خود را در آن دارد؛ و انسان مدرن را انسانی می‌داند که در این مسیر لحظه‌ای درنگ می‌کند و کوله‌پشتی را باز می‌کند و تنها آن‌هایی را که لازم دارد، نگه می‌دارد و سپس به مسیر خود ادامه می‌دهد. والتر بنیامین می‌گوید درست در این لحظه انسان مدرن می‌شود.

بازنمایی زندگی روزمره را داشتند.

اینکه هنر پاپ را عموماً به‌عنوان هنری آمریکایی می‌شناسند، درواقع پاپ آرت دو بار متولد شد؛ بار اول در انگلستان و بار دوم به‌طور مستقل در شهر نیویورک.

این انگلستان و به‌طور مشخص گروه مستقل هنرمندان لندنی بودند که از عبارت هنر مربوط به توده مردم در اوایل دهه ۰۵۹۱ استفاده کردند. این گروه شامل هنرمندان تجسمی، معماران و منتقدانی نظیر ریچارد همیلتون، ادواردو پائولوتزی، جیمز استرلینگ و لارنس الووی بود که سعی داشتند در ابزار ارتباط جمعی و فن‌آوری‌های نوظهور مفاهیم زیبایی‌شناسان بیابند، یکی از نمودهای مهم این مطالعات پیگیر نمایشگاهی با عنوان فردا چنین است در سال ۱۹۵۹ در لندن بود، پوستری که ریچارد همیلتون برای این نمایشگاه طراحی کرد.

پاپ آرت یا هنر همگانی یک جنبش هنری در زمینه هنرهای تجسمی در دهه ۰۵۹۱ و ۰۶۹۱ میلادی بود که به‌طور مستقل در انگلستان و ایالات متحده آمریکا شکل گرفت. پاپ آرت سوژه‌هایش را از فرهنگ همگانی می‌گرفت، از قوطی‌های آبجو و نوشابه تا داستان‌های مصور، این جنبش هنری که به‌عنوان واکنشی در برابر جدیت و رسمیت اکسپرسیونیسم انتزاعی نیز شناخته می‌شود، نه‌تنها بر هنرمندان پس از خود تأثیرگذار بود بلکه به طرز گسترده‌ای گرافیک، مد و تبلیغات را نیز متأثر کرد. دستمایه‌های هنر پاپ جامعه‌ای بود که فراوانی اشیاء مصرفی و تأثیر رسانه‌های جمعی در آن به‌سرعت رو به گسترش بود ولی هنرمندان این جنبش پیش از آنکه در پی تقبیح یا تقدیس فرهنگ چنین جامعه‌ای باشند، سعی در استفاده از آن در آثارشان و



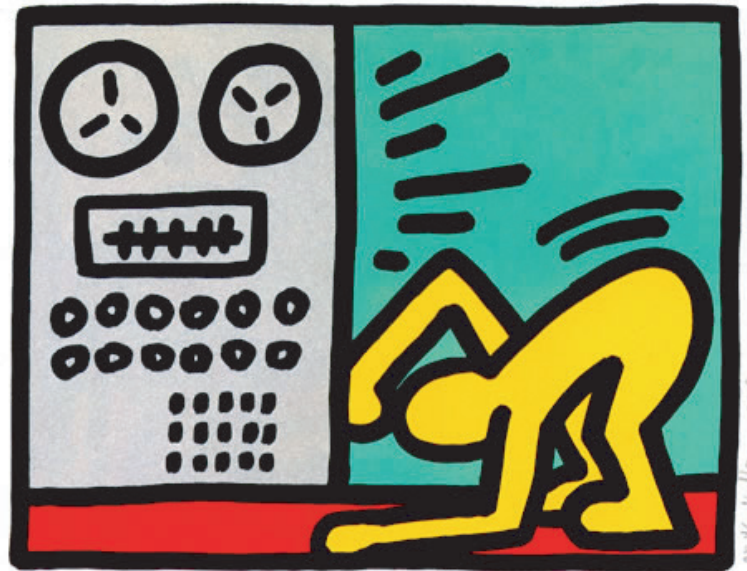
(ExpoExposition Internationale des Arts Décoratifs et Industriels Modernes)

•• The Marquis D'Afflitto on a Staircase - Art Deco ••

نگاهی نو و پیرایش عناصر و محتوای سنتی در بستری مدرن خاصیت هنر مدرن است؛ و این طی مسیر درست شاید دلیل تأثیرگذاری بالای این مکتب را برساند. اکنون چند دهه‌ای می‌شود که اکثر جریان‌ها و سبک‌های هنری در ایران چه در نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری و ... مسیر تکاملی و امتداد خود را از دست داده‌اند و اگر هم کسانی دنبال کننده آن مکتب‌ها باشند، از نسل گذشته هستند و فعالیت آن‌ها به صورت پراکنده و نه به صورت یک جریان در حال انجام است. جریان‌هایی که طی قرن‌ها تداوم آن‌ها پیشینه و میراثی باارزش در اختیار ما قرار داده است و وظیفه‌ای حفظ و تداوم آن‌ها بر روی دوش نسل ما می‌باشد



● ● چهره فرناندو پسوا - آرت دکو ● ●



● ● پاپ شاپ ۳ - پاپ آرت ● ●

منابع

افروز، یثربی، اندی وارهل. تهران: نشر نظر، ۱۳۷۸
 آغداشلو، آیدین، خوشی‌ها و حسرت‌ها، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۱
 باغی میان دو خیابان: چهار هزار و یک روز از زندگی کامران دیبا
 بلوک باشی، علی، قهوه خانه های ایران، دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۷۵
 بنیامین، والتر، خیابان یکطرفه، ترجمه حمید فرزانه، نشر مرکز، ۱۳۹۶
 پارمزانی، لوردانا، شورشیان هنر قرن بیستم. ج. مریم چهرگان و سمانه میرعابدی. تهران: نشر نظر، ۱۳۸۸
 پارمزانی، لوردانا، شورشیان هنر قرن بیستم. ج. مریم چهرگان و سمانه میرعابدی. تهران: نشر نظر، ۱۳۹۶
 پاکباز، روین، امدادیان، یعقوب و ملکی، توکا، پیشگامان هنر نوگرای ایران: حسین زنده رودی، تهران، نشر ماهریز، ۱۳۸۰
 پاکباز، روین، دایره المعارف هنر: نقاشی، پیکره سازی و هنر گرافیک (مدخل پاپ آرت). تهران: فرهنگ معاصر،
 درآمدی بر جایگاه مکتب سقاخانه در جنبش نوگرایی هنر معاصر ایران" پوریا محمودی اصل همدانی
 سیف، هادی، نقاشی قهوه خانه ای، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۶۹
 قاسمی، حامد، قهوه خانه ها، نقاشی و نقالی، پیام بهارستان، اردیبهشت، شماره ۴۷، ۱۳۴۸

نگاهی کالبدی به قهوه‌خانه‌های سنتی ترکیه

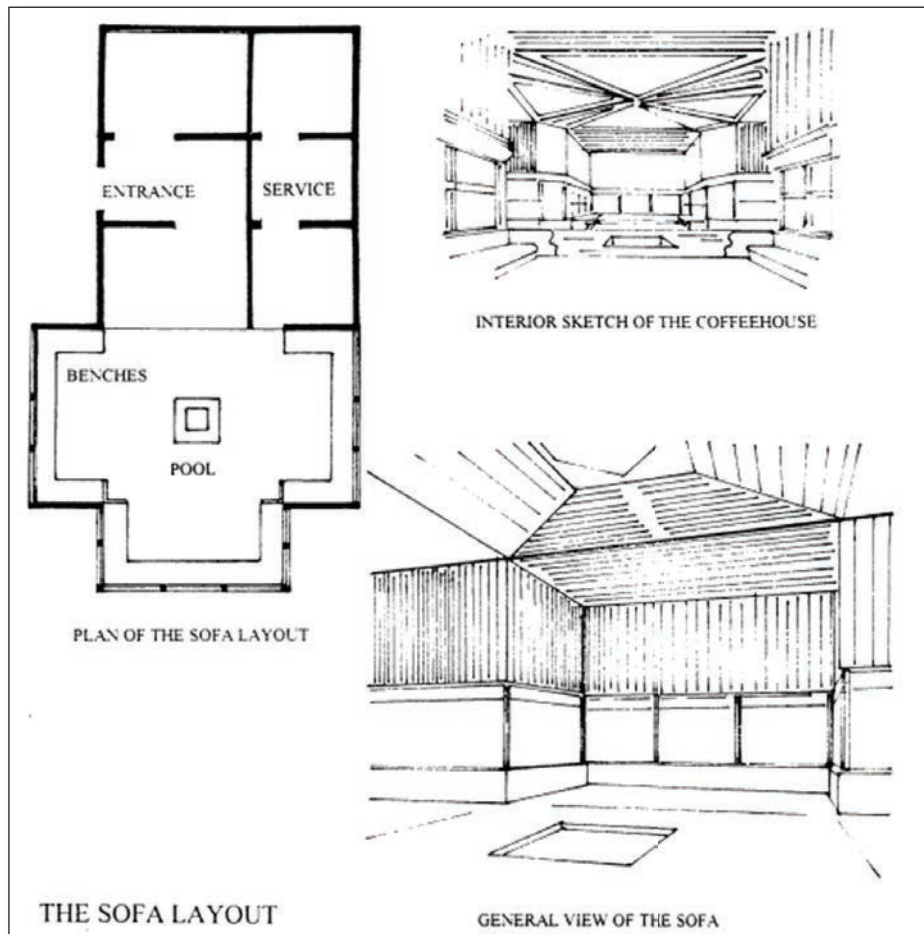
Timur Oral

نویسنده: محمدتقی رافسیجانی

یکی از هنرهایی که بلافاصله در قهوه‌خانه‌های ترکیه رواج یافت نواختن موسیقی بود که امروزه به‌عنوان نوعی موسیقی کلاسیک در ترکیه شناخته می‌شود. رقص نیز مانند موسیقی به قهوه‌خانه‌ها راه پیدا کرد اما هیچ‌گاه مانند موسیقی فعالیت و تفریحی دائمی نبود و صرفاً هنگامی که کولیان رهگذر برای اجرای رقص و موسیقی به امپراتوری عثمانی می‌آمدند این مجالس برپا بود. علاوه بر موارد قبل بازی‌هایی مانند کارت بازی، شطرنج و دومینو نیز به قهوه‌خانه‌ها راه یافت و در تاریخ نقل است که بازی به نام پُل، ریشه در همین قهوه‌خانه‌ها دارد.

آداب نوشیدن قهوه در ترکیه به قرن ۱۶ میلادی و به قهوه‌خانه‌های استانبول بازمی‌گردد؛ که بعدها به‌عنوان انجمنی برای یکپارچگی نظام جامع ترکیه از این دوران یاد شد. اگرچه نوشیدن قهوه امروزه هم در ترکیه به‌عنوان یک رسم و سنت بسیار مهم شناخته می‌شود؛ اما قهوه‌خانه‌های سنتی اهمیت دوران گذشته خود را از دست داده‌اند و سریعاً توسط کافه‌های معاصر که طراحی اروپایی دارند در حال جایگزینی هستند. باوجود اینکه نسل جدید ترکیه کمتر به ارزش‌های سنتی تعهد نشان می‌دهد و علاقه‌مندی روزافزونی به سبک زندگی غربی از خود نشان می‌دهد، بقای قهوه‌خانه‌های سنتی و احیای آن‌ها یکی از چالش‌های مهم پیش رو برای سیاست‌گذاران این امر به شمار می‌آید. ریشه اولین قهوه‌خانه‌های ترکیه به استانبول قرن ۱۶ میلادی باز می‌گردد. زمانی که استانبول پایتخت امپراتوری بزرگ عثمانی بود. موقعیت جغرافیای استانبول شاه کلیدی در باب رابطه شرق و غرب به حساب می‌آمد. مسیری که انتقال فرهنگ‌ها و سنت‌ها از فیلترا آن صورت می‌پذیرفت. یکی از این سنت‌ها نوشیدن قهوه بود که از شرق و از طریق استانبول به اروپا راه یافت. به گفته یکی از اندیشمندان عثمانی به نام ابراهیم پزوی، اولین قهوه‌خانه در استانبول توسط دو بازرگان سوری و در سال ۱۵۵۴ میلادی افتتاح شد. در سال ۱۶۴۰ قهوه‌خانه‌ها در محله‌های استانبول گسترش پیدا کردند و در بین مجامع مختلف به‌عنوان جایگزینی برای الکل که ممنوع شده بود مورد استقبال قرار گرفت.

طراحی سداد حکمی الدریم برای قهوه‌خانه‌ای در استانبول، که بر اساس الگوبرداری از قهوه‌خانه‌های سنتی ترکیه و در سال ۱۹۴۷ طراحی شد



یا مرمر تزئین می‌کردند. قسمت باش‌سیدیر نیز توسط دو پله از سطح معمولی ارتفاع می‌گرفت که توسط نرده‌های چوبی احاطه می‌شد، در این قسمت کف مکان نشستن را با قالیچه‌ای می‌پوشاندند تا تأکید بیشتری بر اهمیت این فضا داشته باشند.

در میان الگوهای معماری قهوه‌خانه در ترکیه، پلان‌های شش‌گوشه، هشت‌ضلعی و خطوط عمودی و افقی به‌کاررفته است. از جمله ویژگی‌های تزئینی در قهوه‌خانه‌ها می‌توان به فرش ترکی، گلیم، تایل‌های سرامیکی، سفال و عتیقه‌جات اشاره کرد. همچنین حیاط‌های باز در فضاهای داخلی وجود دارد که پیرامون یک آب‌نما ساماندهی شده است. قهوه‌خانه‌ها را در گذشته می‌توان محیط‌های اجتماعی دانست که بیانگر تاریخ و سنت معتبر ترکیه می‌باشد.

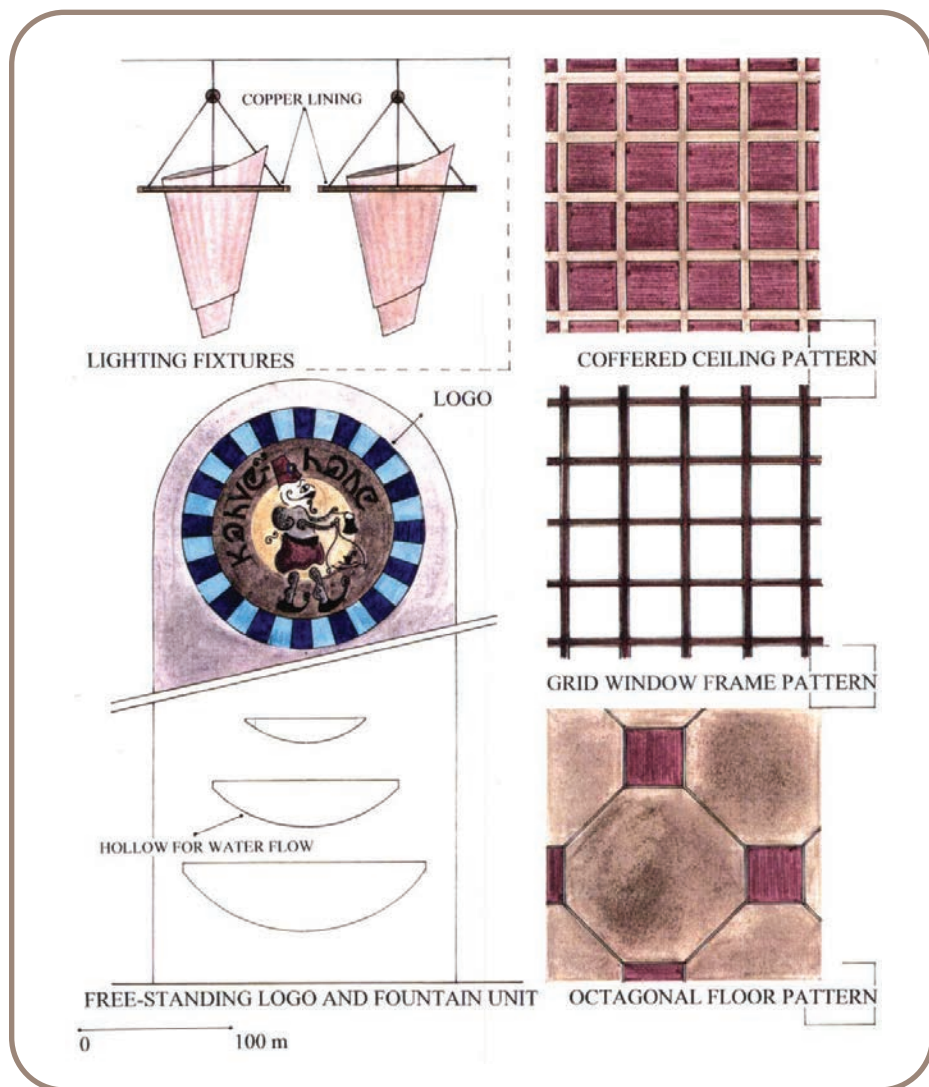
قرار داشت. این نوع سازمان‌دهی فضایی دقیقاً برگرفته از خانه‌های سنتی ترکیه بود که پیشتر از چنین الگوهایی بهره می‌بردند. کافه‌های بزرگ‌تر نیز دارای سه بخش اساسی مستقل بودند که هرکدام از این سه بخش در سه‌گوشه فضای اصلی سازمان‌دهی می‌شد. اولی مکانی برای آماده‌سازی و سرو قهوه بود که جایگاه مهمی داشت. دومی صحنه‌ای بود که برای اجرای موسیقی، نمایش و حتی داستان‌سرایی آماده‌سازی می‌کردند و قسمت سوم، مکانی ویژه برای مهمانان ویژه و خاص بود که فقط مهمانان برجسته را به این قسمت راه می‌دادند که به اصطلاح آن را «باش‌سیدیر» می‌نامیدند.

قسمت تهیه و سرو قهوه توسط تایل‌های دکوراتیو سرامیکی پوشیده می‌شدند و صحنه نمایش را نیز با سنگ معمولی و

رفته رفته قهوه‌خانه‌ها جایگاه ثابتی به عنوان مراکز اجتماعی پیدا کردند. اما در قرن هفدهم قهوه‌خانه‌ها با توجه به طبقات مختلف اجتماعی، منافع اجتماعی و فرهنگی تقسیم‌بندی و سازمان‌دهی شدند. معماری و طراحی داخلی قهوه‌خانه‌ها نیز تا حد زیادی تحت تأثیر فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی بود که در قهوه‌خانه‌ها اتفاق می‌افتاد. بدین منظور، طراحی‌ها به سمتی بود تا بتواند تعداد زیادی از افراد را گرد یک فضای اصلی جمع کند. این فضاها توسط نیمکت‌هایی که لایه‌ای زیرین از نوعی کوسن داشتند احاطه می‌شدند که به اصطلاح به این نیمکت‌ها «دیوان» می‌گفتند. در برخی قهوه‌خانه‌ها در این فضا مرکزی اصلی که مورد توجه همگان بود، آب‌نما با حوضی با سنگ‌های مرمر



● حکاکای یک قهوه‌خانه در استانبول در قرن نوزدهم توسط آنتونی ملینگ ●

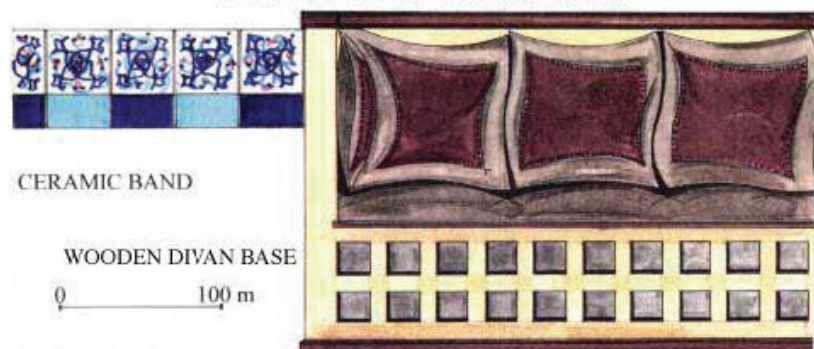
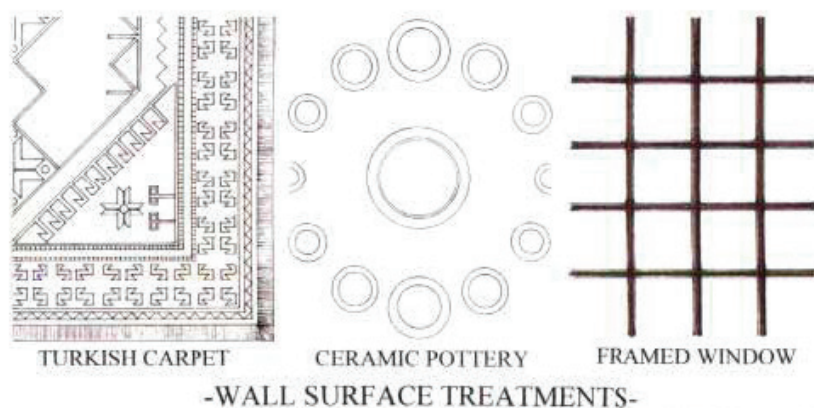


مصالح و رنگ‌ها

نوعی فلز کبالتِ آبی (لاجورد) و فیروزه که برگرفته از کاشی‌های سنتی ترکیه‌ای، پایه ثابت استفاده در تزئینات قهوه‌خانه‌ها بودند. باقی رنگ‌هایی که در داخل و خارج قهوه‌خانه‌ها استفاده می‌شد، سایه‌هایی از رنگ‌های قرمز، قهوه‌ای مایل به طلایی، زرد و مشکی بودند که از الگوهای پیشین فرش‌ها و گلیم‌های سنتی ترکیه استخراج شده بودند. از الوارهای چوبی در سقف، میلمان و فریم پنجره‌ها استفاده می‌شد. همچنین از سنگ و آجر برای پوشش کف و از کاشی برای پوشاندن دیوارها در قهوه‌خانه‌های قدیمی بهره برده می‌شد. همچنین از فلز مس برای دم‌کردن قهوه، ظروف آشپزخانه، گلدان، سینی و فنجان استفاده می‌شد. به‌علاوه از فلز مس به‌عنوان عنصر تزئینی در لبه میزها، صندلی‌ها، قفسه‌ها و در وسایل روشنایی نیز استفاده می‌شده است.

فضاهای عملکردی

فضاهای داخلی قهوه‌خانه‌ها طراحی شده بودند تا فعالیت‌های فردی و اجتماعی را ترکیب کنند که این اتفاق را از طریق دیوان‌ها، نیمکت‌ها، صندلی‌ها و دیوارهای مدولار تأمین می‌کردند. ریشه این دیوان‌ها از یک الگو مربع شکل چوبی بود که مورد استفاده قرار می‌گرفت.



مصالح و تزئینات به کار رفته
در قهوه‌خانه‌های سنتی ترکیه



قهوه‌خانه‌ها و نقش و کارکرد آن‌ها در شهر

نویسنده: علی جناییان

قهوه‌خانه‌ها یکی از بهترین نمونه‌های مکان سوم بودند، مکانی غنی که طیف متنوعی از انواع رویدادها در آن اتفاق می‌افتاد، فعالیت ظاهری قهوه‌خانه خوردن ناهار و شام و نوشیدن چای بوده است؛ اما اموری نظیر اطلاع‌رسانی، نشر افکار و اخبار اجتماعی - اقتصادی و حتی سیاسی و نیز سرگرمی‌هایی چون مدیحه‌سرایی، نقالی، شاهنامه‌خوانی، غزل‌خوانی، سخنوری و مشاعره نیز در آن جایگاهی ویژه داشته است؛ در چند دهه گذشته و در پی تغییرات وسیع و همه‌جانبه ناشی از فرآیند مدرنیزاسیون، قهوه‌خانه نیز مانند بسیاری از عناصر اصیل و کهن شهرها به دست فراموشی سپرده شدند و امروزه جز نامی از آن‌ها بر نا مکان‌هایی که جز دود و آلودگی چیز دیگری در آن‌ها نمی‌توان یافت، باقی نمانده است.

امروزه ابر شهرهایی مانند تهران که دچار کمبود شدید فضاهای مدنی هستند و تعاملات اجتماعی در آن به دلیل فقدان بستر مناسب کالبدی و فضایی در حداقل ممکن است، احیای اصولی کارکردهایی مانند قهوه‌خانه علاوه بر اینکه قدمی در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی و دستیابی به اهداف جامعه مدنی است می‌تواند موجب احیای فرهنگ و هنر و ادبیات کهن ایران و اشاعه آن‌ها در میان مردم و همچنین گردشگران بین‌المللی شود.

اجتماعی به مثابه یک رویداد، موجب شکل‌گیری خاطره جمعی در مکان شده و از این رو مکان سوم هم اهمیت شخصی و هم اهمیت اجتماعی می‌یابد. روح حاکم بر مکان سوم ماهیتاً پیچیده‌تر از مکان اول و دوم است؛ چراکه هم دربردارنده لایه‌های خاطرات شخصی و انفرادی و هم رویدادها و خاطرات جمعی است، مکان سوم کانون تقویت‌کننده حس تعلق در میان شهروندان است، جایی است که شهروند را به شهر پیوند می‌دهد، مکان سوم درعین حال محل تبلور ویژگی‌های جامعه مدنی است چراکه مستقل و خارج از تسلط و اختیار قدرت‌های سیاسی یا اقتصادی است و از این رو همیشه ظرفیت پذیرش گروه‌های روشنفکری و آزاداندیشی را در جوامع مختلف داشته است، کافه پروکوپ پاریس، کافه گیلی در فلورانس، کافه نادری در تهران و ... که هرکدام منشأ تحولات اجتماعی، هنری و سیاسی زیادی در طول حیات خود بوده‌اند. لذا یکی از معیارهای سنجش یک شهر خوب، تعدد و تکثر مکان‌های سوم در شهر است هرچه کمیت و کیفیت مکان‌های سوم در شهر بیشتر باشد، آن شهر سرزنده‌تر، پویاتر و منسجم‌تر است. بر اساس تعاریف فوق مکان سوم می‌تواند یک پاتوق محلی، یک قهوه‌خانه، کافه یا کافی‌شاپ باشد. در گذشته‌های نه‌چندان دور در ایران

«فضا- زمان» مفهومی دویپاره و درعین حال یگانه و «مکان» مفهوم سومی که فضا و زمان را یکپارچه می‌کند، «حضور» به‌مثابه یک «رویداد» در یک بازه زمانی و در یک فضای مشخص آن را به مکان تبدیل می‌کند، به عبارتی فضا-زمان مفهومی خنثی دارد تا زمانی که رویدادی در فضا- زمان اتفاق می‌افتد و مکان شکل می‌گیرد. هر حضور یک رویداد، هر رویداد یک خاطره و هر خاطره لایه‌ای است که بر بار معنایی مکان می‌افزاید.

کمیت و کیفیت حضور در مکان «روح مکان» را تعریف می‌کند و از این طریق مکان‌ها از هم متمایز می‌شوند، خانه، محل کار، پارک، کافه، قهوه‌خانه و ...

خانه مکان سکونت است و محیط کار مکان فعالیت، اما در این میان مکان‌هایی نیز هستند نه برای ساکن شدن و نه برای فعالیت، مکان سوم، مکانی به‌دوراز جنب‌وجوش محیط کار و به‌دور از سکون خانه، حد واسطی است بین مکان اول و دوم، دارای ویژگی‌های هر دو و درعین حال منحصر به فرد، محیطی هم شخصی و هم اجتماعی، در خانه امکان تعامل اجتماعی وجود ندارد در محیط کار هم همین‌طور اما مکان سوم این امکان را در اختیارمان می‌گذارد، حضور اختیاری و داوطلبانه در یک محیط اجتماعی و امکان شکل‌گیری تعاملات

● کافی‌شاپ میا در بندر مالانگا ●



از قهوه‌خانه تا کافه

نویسندگان: رعنا توتونچی
ریحانه رنجکش

قهوه نخستین بار توسط مردم اتیوپی یا حبشه در آفریقا به‌عنوان دانه‌ای انرژی‌زا و رفع‌کننده خستگی کشف شد. قرن‌ها پیش در اتیوپی جنگلی دچار آتش‌سوزی گردید و تمام درختان آن سوختند. بر اثر سوختن درختان بویی خوش در جنگل پخش شد و مردم توانستند درخت قهوه را کشف کنند. در میان کشورهای آسیایی، یمن برای اولین بار با قهوه آشنا گردید. جمال‌الدین ابوعبدالله قاضی عدن و ابوالحسن علی بن شاذلی که هر دو جزء بزرگان صوفیه بودند اولین کسانی بودند که قهوه را به کشور یمن آوردند. در سال‌های پایانی قرن نهم هجری، قهوه در سرزمین‌های مصر، مکه و قسطنطنیه نیز رواج یافت و کسانی که تا پیش از این شراب می‌نوشیدند، قهوه را جان‌نشین آن کردند. مسلمانان آن را جایگزینی مناسب برای نوشیدنی الکلی حرام دانستند و به‌شدت از آن استقبال کردند. قهوه در نقطه مقابل بسیاری از نوشیدنی‌های الکلی که موجبات مستی و سستی را فراهم می‌آوردند، با افزایش ادراک حسی و فعالیت‌های ذهنی علاقه‌مندان بیشماری را به خود جذب کرد.

کافه CAFE یا قهوه‌خانه، بنایی کوچک برای خوردن و نوشیدن با صورت غذایی محدود بود که در ابتدا فقط به‌منظور نوشیدن قهوه ایجاد شده بود. واژه CAFE در زبان فرانسه از واژه KAHVE در زبان ترکی به معنی قهوه به عاریت گرفته شده است. اولین کافه یا قهوه‌خانه در سال ۰۵۵۱ میلادی در قسطنطنیه ایجاد شد و سپس از آنجا به ایران و اروپا وارد شد.



● قهوه‌خانه تهران قدیم ●



● قهوه‌خانه در دوران قاجار ●

ایران سفرکرده بود از چایخانه ختایی و قهوه‌خانه صحبت می‌کند. در اولی چای از نوع چای وارداتی از چین و در دومی قهوه به مشتریان می‌دادند. قبل از این که قهوه‌خانه و چایخانه به‌عنوان یک مکان عمومی در محیط بیرون از خانه و در بازار و کوی و برزن شکل بگیرد و مردان خانواده را از هر گروه، لایه و قشر به خود جذب کند، مردان ما در جامعه کشاورزی و کارگری آن زمان، جایی برای جمع شدن نداشتند. مردم حرفه‌های مختلف از تاجر و بازرگان گرفته تا صنعتگر و پیشه‌ور و کارگر معمولاً در خانه‌های یکدیگر یا بزرگ و نقیب صنف جمع می‌شدند. با شکل گرفتن قهوه‌خانه، این نهاد توانست محفل مناسبی برای جمع شدن افراد هر صنف جامعه بشود. اولین قهوه‌خانه‌های ایران در شهر قزوین و در زمان شاه‌تهماسب پدید آمد و در اصفهان در زمان شاه‌عباس توسعه یافت. نخستین قهوه‌خانه‌ها در اصفهان بیشتر در ضلع شمالی میدان نقش‌جهان، در سردر و در بازار قیصریه و زیر طاق‌نماهای آن بود. شاه‌عباس علاوه بر اینکه برای شنیدن اشعار شاعران به آنجا می‌رفت، مهمان‌های خارجی خود را برای پذیرایی به قهوه‌خانه‌ها می‌برد.

قهوه‌خانه در ایران

قهوه‌خانه از آغاز شکل‌گیری اش تا امروز نقش و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و هنری گوناگونی در جامعه سنتی ایران داشته است. ایرانیانی که برای زیارت به مکه و اماکن مقدس کشورهای اسلامی و ترکیه عثمانی مسافرت می‌کردند، با قهوه آشنا شدند و آن را در قرن ۹ یا اوایل قرن ۱۰ هجری به ایران آوردند. در آغاز، قهوه پزی و قهوه نوشی در ایران عمومیت نداشت و مخصوص درباریان و رجال مملکتی بود. پادشاهان صفوی قهوه‌چی و قهوه‌چی باشی داشتند که از منصب‌های درباری به شمار می‌رفتند. کم‌کم قهوه‌خانه به محیط بیرون از دربار و به خانواده‌های اشرافی و اعیانی راه یافت و قهوه نوشی در جامعه و میان مردم شکل گسترده‌تر یافت.

در جامعه سنتی ایران، هر نهادی که بنیاد می‌گرفت با نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه همخوانی داشت. یک‌نهاد اجتماعی یا فرهنگی در این جامعه بدون پشتوانه خواست و نیاز مردم، ناگهان سبز نمی‌شد و شکل نمی‌یافت. قهوه‌خانه یکی از نهادهای سنتی بود که نیاز مردم آن را در جامعه پدید آورد. قهوه‌خانه به‌صورت مردمی و عمومی‌اش در ایران در دوره صفوی شکل گرفت. برخی از سیاحت‌گران اروپایی که در این دوره به ایران آمده بودند، در سفرنامه‌های خود از قهوه‌خانه و چایخانه صحبت کرده‌اند. اولتاریوس، سیاح آلمانی که در ۱۰۴۷ قمری مطابق ۱۶۳۷ میلادی به



● کافه‌ای در تهران قدیم - ۱۳۵۵ - عکس از مارتین کولمن ●



مردم بیشتر به جهت شعرا، شعرخوانی و صاحب‌ذوق بودن قهوه‌خانه‌داران جذب قهوه‌خانه‌های آن‌ها می‌شدند. از این‌رو، یکی از نقش‌ها و کارکردهای اولیه قهوه‌خانه را می‌توان توسعه و اشاعه شعر و ادب و موسیقی دانست. قهوه‌خانه بعداً محلی شد برای پاتوق گرفتن هنرمندان کوچه و بازار. نقالان، قصه‌گویان، تقلیدچی‌ها، نوازندگان دوره‌گرد، نقاشان، خیمه‌شب‌بازان و بازیگران روح‌وضی که پیش از برپایی قهوه‌خانه جای خاصی برای ارائه هنر خود نداشتند، به تدریج قهوه‌خانه را که محل تجمع اقشار مختلف از هر صنف بود، مکانی مناسب برای هنرنمایی‌هایشان یافتند. این چنین بود که رفته‌رفته قهوه‌خانه شد پاتوق صنوف مختلف از اهل صنعت و پیشه تا اهل طرب شد. افراد از هر گروه و صنف می‌آمدند و در آنجا می‌نشستند و باهم ساعت‌ها گفت‌وگو می‌کردند و مسائل صنفی و شغلی‌شان را حل و فصل می‌کردند. برخی کاریابی می‌کردند و برخی هم‌کار دیگران را راه می‌انداختند. قهوه‌خانه به همه تعلق داشت؛ چه اشخاصی از گروه صنعتگران و پیشه‌وران ماهر و هنرمند و چه کارگران بی‌کار و در پی کار. قهوه‌خانه مرکزی بود برای معرفی صاحبان هر حرفه و پیشه صنعت. مردمی که اگر کار ساختمانی داشتند و به معمار، بنا، نقاش، نجار، توفال‌کوب، گچ‌کار و مانند آن‌ها نیازمند بودند، می‌دانستند برای تأمین نیازهای خود به کدام قهوه‌خانه‌های شهر و محله مراجعه کنند.

در نتیجه هر قهوه‌خانه مرکز و پاتوق یک یا چند گروه از اهل پیشه و صنعت و هنرمند

بود؛ بنابراین قهوه‌خانه می‌توانست نقش اجتماعی و کار راه‌اندازی مهمی در جامعه ایفا کند. این‌ها جدا از کارکردهای اجتماعی و فرهنگی و هنری دیگر این نهاد بوده است. قهوه‌خانه‌ها نقش سیاسی و اجتماعی هم داشتند.

در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار رواج قهوه‌خانه‌ها چشمگیر بود و هر یک مخصوص گروهی از طبقات و اصناف مختلف بودند. یا مثلاً اهالی شهرستان‌های مختلف وقتی وارد تهران می‌شدند به قهوه‌خانه مخصوص شهرستان خود می‌رفتند. در اواخر قرن سیزدهم کم‌کم قهوه جای خود را به چای داد و این نوشیدنی در بین مردم رواج بسیاری یافت. با وجود اینکه از این زمان به بعد مردم در قهوه‌خانه‌ها بیشتر چای می‌نوشیدند اما نام این مکان‌ها به چایخانه تغییر نیافت و به همان صورت گذشته باقی ماند.



●● کافه اسرافیل تبریز ●●



●● کافه‌ای در تهران قدیم ●●



●● قهوه‌خانه تهران قدیم ●●



● کافه‌ای در اروپا - ۱۹۳۰ ●

بحث و گفت‌وگو تبدیل شد.

با شیوع عقل‌گرایی جدیدی که در اروپا پا گرفته بود، قهوه نوشیدنی ایدئال به شمار می‌رفت. قهوه‌خانه از ۱۵۶۱ در اروپا توانست نقش اصلی یک مرکز تبادل اطلاعات برای نویسندگان، سیاستمداران، تجار و دانشمندان ایفا نماید. قهوه‌خانه مانند وب سایت‌ها، وبلاگ‌ها و تالارهای گفت‌وگوی امروزی منبع پرچوش‌وخروش و اغلب غیرقابل‌اعتمادی از اطلاعات بود که به انتشار اخبار می‌پرداخت. برخی از قهوه‌خانه‌ها بسته به منافع مشتریان خود به درج و نمایش قیمت کالاها، قیمت سهام و... می‌پرداختند. درمجموع شبکه اطلاع‌رسانی پیوسته قهوه‌خانه‌ها به‌نوعی شکل دیگری از اینترنت عصر روشنگری در اروپا بودند؛ بنابراین در قرن ۱۷ام کافه‌ها در ایتالیا، فرانسه، آلمان و انگلستان به سبک قهوه‌خانه‌های عثمانی و ایران ایجاد شدند. کافه‌ها محل تردد و تجمع مردان بوده و نقش مهمی در گسترش افکار و اندیشه

کافه در اروپا

به دنبال شکست امپراتوری عثمانی، اروپاییان با نوشیدنی تلخ و موردعلاقه ترک‌ها آشنا شدند و شیفته طعم قهوه و فضای قهوه‌خانه شدند. همچنین بازرگانان اروپایی قهوه را از شهر المخاء یمن یا همان موکا به اروپا آوردند. این شهرت به سزای قهوه توانست در ابتدا به‌عنوان دارو و سپس به‌عنوان نوشیدنی عربی جای خود را در اروپای قرن هفدهم باز کند. قهوه منادی انسان اروپایی قرن هفدهم شد. قهوه فرد را شاداب‌تر، باهوش‌تر و سرحال‌تر می‌کرد و این تضاد میان قهوه و الکل روزبه‌روز موجب رونق قهوه‌خانه‌ها در نقاط گوناگون اروپا گشت. قهوه‌خانه‌ها با دکورهای ناب و طلایی، مبلمان راحت و کتابخانه به‌مقابله با میخانه‌های اغلب کثیف و تاریک پرداختند. با توجه به حضور افراد جدیدالورود به قهوه‌خانه‌ها، مقررات خاص اجتماعی در بسیاری از آن‌ها حکم‌فرما شد و به‌این‌ترتیب قهوه‌خانه آرام‌آرام به مرکز منظم و مرتب

روشنگری ایفا کرده‌اند و پیدایش کافه‌ها در قرن ۱۷ام در جنبش‌های اجتماعی اروپا نقش به‌سزایی داشته است. آغاز جنبش کافه و کافه نشینی در جهان با انقلاب کبیر فرانسه آغاز شد. انقلاب فرانسه در قرن هجدهم میلادی و طی سال‌های ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۱ اتفاق افتاد و دوره‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی سیاسی در تاریخ سیاسی فرانسه و اروپا به دست ملت فرانسه بود. این انقلاب، یکی از چند انقلاب مادر در طول تاریخ جهان است که پس از فراز و نشیب‌های بسیار، منجر به تغییر نظام سلطنتی فرانسه شد. پس از انقلاب فرانسه در ساختار اجتماعی، روشنفکران و حکومتی فرانسه که پیش از آن سلطنتی با امتیازاتی برای طبقه‌ی اشراف بود، تغییراتی بنیادین ایجاد شد. کلاب‌های انقلابی در انقلاب فرانسه را می‌توان آغاز کافه نشینی (شاید سیاسی) دانست، یعنی گرد هم آمدن در یک محیط بیرونی، برای سرگرمی و همچنین به‌طور هم‌زمان بحث و گفتگو.

تنها پاتوق و محل گردهمایی و دیدار های چهره‌های شاخص ادبی، هنری، سیاسی و روشنفکری ایران بود. در واقع با مدرن شدن تدریجی جامعه ایران و رشد طبقه متوسط و ظهور جریان‌های روشنفکری و اهمیت یافتن فضاهای عمومی، بعضی از کافه‌های تهران به پاتوق و محفل روشنفکران و نویسندگان ایرانی بعد از مشروطه تبدیل شدند. در دوره صفویه و قاجاریه علاوه بر شاعران و هنرمندان عموم مردم عادی (فقیر و پولدار) هم به قهوه‌خانه‌ها می‌رفتند اما در دوره پهلوی معمولاً شاعران و نویسندگان و روشنفکران به کافه‌ها رفت‌وآمد می‌کردند و عامه مردم به‌ویژه طبقه کارگر و فقیر در کافه‌ها جایگاهی نداشتند و به همان قهوه‌خانه‌ها انس گرفته بودند. در این کافه‌ها بود که چهره‌های سرشناس ادبی و روشنفکری ایران مثل نیما یوشیج، صادق

ما شکل گرفتند. رواج مسافرت به غرب بین قشر مرفه جامعه ایرانی آن روز و بازگشت دانشجویان ایرانی اعزام‌شده به خارج از کشور که با کافه و کافه نشینی آشنا شده بودند و به شکل بی‌سابقه‌ای با این پدیده نو خو گرفتند، فرهنگ کافه نشینی را به دنبال آورد و این بار کافه به معنی اروپایی‌اش به افرادی که پس از بازگشت از غرب در مناصب دولتی و مشاغل فرهنگی مشغول به کار می‌شدند و پاتوقشان کافه‌های مختلف شهر بود. کافه و کافه نشینی، جزئی از فرهنگ روشنفکری ایرانی از سال‌های دهه بیست به بعد به شمار می‌رود. سال‌ها قبل از آنکه مکان‌های فرهنگی مدرن مثل گالری‌های نقاشی، تئاتر شهر، تالار رودکی، موزه هنرهای معاصر، کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و فرهنگسراها احداث شود، کافه‌های روشنفکری تهران،

این جنبش اجتماعی در قرن بیستم تا دهه‌ی ۱۹۸۰ به‌شدت رشد کرد و هر بار که جنبش‌های اجتماعی پدیدار می‌شد، کافه نشینی هم فراگیرتر می‌شد. جنبش کافه‌نشینی از دهه‌ی ۱۹۶۰ همراه با مفهوم روشنفکری و دیگر شیوه‌ها به کشورهای دیگر جهان نیز سرایت کرد. در واقع در سال‌های ابتدایی، کافه نشینی مختص به افراد روشنفکر و عمدتاً ثروتمند بود.

کافه در ایران

ایران در اواخر دوره قاجار و در دوره پهلوی دچار تحولات فرهنگی بسیار شد و از فرهنگ غرب تأثیر پذیرفت. فضاهایی جمعی و عمومی مانند هتل، سینما، تماشخانه یا تئاتر، باشگاه و کافه از اولین مکان‌هایی هستند که تحت تأثیر این فرهنگ در کشور



●● کافه نادری ●●

آن در حوزه فرهنگ، مانند صنعت چاپ، از این شهرها وارد ایران شد. بیشترین روشنفکران و سازندگان مدرنیته ایرانی در همین شهرها زندگی می‌کردند. بعدها این کنش در شهرهای دیگر نیز رواج پیدا کردند.

مراکز شهرهای تهران، تبریز و رشت مستقر بوده است. این شهرها، به دلایل گوناگون تاریخی و اجتماعی، شهرهای تهران، تبریز و رشت مستقر بوده است. این شهرها، به دلایل گوناگون تاریخی و اجتماعی، نخستین الگوهای ورود مدرنیته در ایران هستند. نخستین بار صنعت و فناوری‌های مرتبط با

هدایت، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، یدالله رویایی، نادر نادر پور، نصرت رحمانی، رضا براهنی، محمدعلی سپانلو و بسیاری دیگر دورهم جمع شده و در مورد مسائل مختلف ادبی، هنری و سیاسی باهم بحث می‌کردند. کافه‌های ادبی و روشنفکری ایران، در سال‌های بیست، سی و چهل، بیشتر در



کافه	قهوه خانه
سیگار جانشین قلیان شده بود که این هم تقلیدی بود از اروپاییان و نشانه روشنفکری، موسیقی عمدتاً غربی، نشستن پشت میز بر روی صندلی، چیدمان به صورت میز و صندلی‌های پراکنده است.	پذیرایی از مشتریان با قلیان، شاهنامه خوانی نقالی، مداخلی و...، نشستن مشتریان بر روی نیمکت و سکو، چیدمان مرکزگراست و افراد دورهم یا رو به روی هم می‌نشینند.
به طراحی داخلی بسیار توجه شده است.	مبل‌مان ساده‌ای دارد.
مردان با ریش‌های تراشیده، مرتب با کت و شلوار و کلاه‌های مقوایی.	ظاهر مردان با ریش و سیبیل و پوشش سنتی مانند قبا، گیوه، کلاه نمدی.
حضور زنان در کافه‌ها و در کنار مردان به دلیل رسمی شدن، امن بودن، اجتماعی شدن و قاعده مندی کافه‌ها و پر رنگ شدن نقش و حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع آن دوران.	عدم حضور زنان در قهوه‌خانه‌ها.
منوی متنوع اکثراً از غذاهای غربی.	منوی محدود و ارزان.
به کسی که سفارش را می‌آورد، گارسن گفته می‌شود.	به کسی که قهوه‌خانه را اداره می‌کند قهوه‌چی باشی و کسی که سفارش مشتری را می‌آورد، شاگرد قهوه‌چی گفته می‌شود.
تابلوهایی مدرن و تصاویری از شهرهای کشورهای غربی بر روی دیوارها قرار می‌گرفت.	روی دیوار قهوه‌خانه‌ها معمولاً تصاویری نقاشی می‌کردند که بیشتر بر گرفته از داستان‌های شاهنامه یا قهرمان‌های دینی و مذهبی بود و با تابلو یا پرده‌هایی یا همین موضوع در قهوه خانه قرار می‌دادند.
دنج نشینی و تعامل مشتریان با همراهم خود که دور یک میز نشسته‌اند مطرح است.	کثرت گزایی، تعامل همه مشتریان با هم و آشنا بودن آن‌ها با یکدیگر مطرح است.
کافه برون گراست، تراس‌های گشوده رو به حیاط و خیابان دارد (از ویژگی‌های معماری دوره پهلوی)	قهوه خانه درون گراست.
تاکید بر فردیت.	تاکید بر هویت جمعی.
در محوطه مرفه‌تر از شهر شکل می‌گیرد.	بیشتر در محدوده‌های پایین شهر یا در کنار محوره‌های شریانی مستقر است.

● جدول ۱. تفاوت قهوه‌خانه‌ها و کافه‌ها ●

در اواسط سال‌های هفتاد، با بازتر شدن فضای اجتماعی ایران، سنت کافه نشینی در ایران وضع جدیدی یافت. اگر اصلی‌ترین ماحصل کافه‌های سال‌های سی و چهل را آثار ماندگار ادبیات معاصرمان بدانیم، کافه‌های سال‌های هفتاد تحت تأثیر فضای جدید رسانه‌ای، توسعه‌ی مطبوعات، آزادی‌های نسبی، گسترش استفاده از اینترنت و ... قرار گرفته‌اند. امروزه هزاران نفر در قهوه‌خانه‌ها به صرف قهوه و دیگر نوشیدنی‌ها مشغول‌اند که هم‌زمان لپ‌تاپ یا گوشی هوشمندشان به اینترنت متصل و در حال کسب‌وکار یا گشت‌وگذار در اینترنت و گفت‌وگو با دوستان و آشنایان هستند و در کافه‌های امروزی چندان صدای گپ و گفت‌وگو شنیده نمی‌شود. شاید کافه‌ها در نظر اول بسیار ساده بنمایند؛ اما در حقیقت مانند ذره‌بینی روی یک ملت عمل می‌کنند. می‌توان به کافه‌های یک شهر سر زد و از احوال مردم آن باخبر شد. می‌توان پشت میز یک کافه‌ی بسیار معروف یا بسیار ناشناخته و معمولی نشست و با چشم دید چه کسانی از چه سنینی و با چه استانداردهای پوششی، اخلاقی و اجتماعی در آنجا رفت‌وآمد می‌کنند. کافه‌ها همواره با روان انسان و تغییر و تحولات اجتماع او گره خورده‌اند.

کافه‌ها و نحوه پاسخ‌گویی آن‌ها به نیازهای مراجعان همواره در جهت هماهنگی و تناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی است؛ با ورود مدرنیته و فرهنگ غرب، نیازهای جدید، فضاهای جدید می‌طلبید که باعث پیدایش کافه شد؛ بنابراین کافه‌هایی که در ایران ساخته شدند در تحولات فرهنگی و ورود تفکر مدرن و مدرنیته به ایران نقش اساسی داشتند و عامل اصلی در ساخت این کافه‌ها در دوران پهلوی، عامل فرهنگی بوده است. انقلاب ایران تا چندین سال مردم را به عرصه‌های خیابانی کشاند و کافه نشینی را به یک عادت مذموم بدل کرد. در این دستگاه فرهنگی جدید، روشنفکر کافه نشین، بدل به انسانی شد که از روشنفکری فقط ظاهرش را داشت و گرنه روشنفکر واقعی بر اساس منطق انقلاب جدید باید در میدان می‌بود، در عرصه، حضور مداوم می‌داشت و بر کافه‌های پر دود و بحث‌های بیهوده خط بطلان می‌کشید.

بعد از انقلاب، کافه‌ها تعطیل شدند و همه آن تابوهایی که این نوع فضاهای عمومی برای جامعه سنتی داشت و تا پیش از انقلاب می‌رفت تا به یمن قوام نسبی فضاهای عمومی کمی از قدرت این تابوها کاسته شود، دوباره احیا شد یا در واقع از زیر خاکستر برآمد.

- ا.خوت، آرش، مقدمه‌ای بر پدیدارشناسی کافه و کافه نشینی در روزگار ما، دو فصلنامه جستارهای شهرسازی، بهار و تابستان ۱۳۹۶
- ا.رسونی، داوود، یک فنجان اینترنت، ماهنامه فرهنگی هنری آنگاه، آذر و دی ۱۳۹۵
- آزاد ارمکی، تقی، پاتوق و مدرنیته ایرانی، انتشارات لوح فکر، ۱۳۸۴
- بلوکباشی، علی، قهوه‌خانه و قهوه‌خانه نشینی در ایران، ۱۳۹۳
- بلوکباشی، علی، قهوه‌خانه‌های ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۵
- پولادوند، محمدرضا، کافه نادری، تاریخ کافه و کافه‌داری در ایران، تهران، منوچهری، ۱۳۹۵
- خونمیری، فائزه، فضاهای جمعی با رویکرد گذران اوقات فراغت در معماری دوره پهلوی؛ مطالعه موردی: کافه نادری تهران، ۱۳۹۱، دانشگاه یزد
- ژان شاردن، سیاحتنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۶
- شهری، جعفر، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، جلد چهارم، ۱۳۷۸
- فاضلی نعمت‌الله، کافی شاپ و زندگی شهری، انتشارات تپسا، ۱۳۹۳
- قرائی، مریم، طرح مرمت و باز زنده سازی هتل و کافه نادری با رویکرد باز زنده سازی فضای فرهنگی-ارتباطی پیشین در آن، ۱۳۹۱، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز
- ماهنامه فرهنگی هنری آنگاه، کافه و کافه نشینی، آذر و دی ۱۳۹۵

منابع

کافه و کافه‌نشینی

نویسنده: ابوالفضل کربلائی حسینی غیاثوند



● کافه لدون ●

دادند. این کافه‌ها در دورانی تأثیر بسیاری بر ادبیات آن دوره ایران گذاشتند. اجتماع شاعران و نویسندگان و بحث‌های مدام ادبی و حتی گاهی اوقات شعرخوانی در این کافه‌ها باعث شد تا ادبیات معاصر شکل گیرد. شاید چندان بیراه نباشد اگر سهم مهمی از ادبیات معاصر را مدیون بحث‌هایی که در همین کافه‌ها صورت گرفته بدانیم. کافه با حضور بسیاری از نویسندگان و شاعران همواره سهم بسزایی در نوآوری داشت و در این میان از کافه فردوسی می‌توان به‌عنوان ستون ادبی مهمی یاد کرد. اجتماع روشنفکران، نویسندگان و شاعران در آن هرروز بحث‌های ادبی فراوانی را پدید می‌آورد که ادبیات معاصر از آن بهره‌های فراوانی برده. امروزه دیگر خبری از این پاتوق‌ها نیست. گویی سرود مرگی آن دوران خوانده‌شده است.

کافه و پاتوق

پاتوق، بخشی از کارکرد کافه‌ها است پاتوق به مکانی اطلاق می‌شود که بین افراد، روابط انسانی و فرهنگی به وجود می‌آید. مفهومی که در کافی‌شاپ‌های مدرن امروزی

دهه‌های ۳۰ و ۴۰ فرهنگ کافه نشینی را به ایران آوردند.

کافه‌ها در اروپا قرن ۲۰ به‌خصوص فرانسه یکی از شاخص‌های بارز مدینیت بودند. در چنین مکان‌هایی که غالباً محل تردد و تجمع روشنفکران انقلابی بوده، بحث‌هایی درمی‌گرفت که کمک شایانی به نشر افکار انقلابی می‌کرد. با چنین دیدگاهی به‌سادگی می‌توان دریافت که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ که افکار انقلابی به‌شدت در ایران رواج پیدا کرد.

از سال ۱۳۱۳ اولین کافه‌ها در تهران شکل گرفت؛ آن‌هم نه به مفهوم امروزی‌اش. میهمان‌خانه‌هایی در شهر بود و در قسمت پایین آن، محوطه‌ای قرار داشت که مخصوص غذا خوردن بود و همیشه عده‌ای در آن بودند. این کافه‌ها در آن دوران متعلق به اقشار مرفه جامعه بود و از جوانان در آن خبری نبود. از سال‌های پایانی ۴۰ و اوایل ۵۰ به‌تدریج کافه‌ها محوریت خود را از دست دادند و کمتر از روزهای گذشته خبری بود. تهران دیگر بزرگ‌شده بود و این کافه‌ها هم بعد از ۳۰-۴۰ سال کار و شکل‌دهی به ادبیات به‌تدریج مرکزیت خود را از دست

کافه یکی از پدیده‌های خرد اجتماعی است که روابطی از کنش متقابل بر یکدیگر، به واقعیت و حیات اجتماعی شکل می‌دهند. کافه تجربه فضای دیگری است، برای ابراز حضور و ارتباط و آگاهی و... در کافه‌ها قهوه، چای و نوشیدنی ارائه می‌شد، اما بحث و دیدن افراد و حضور در فضا و درک آن شکل از هویت، عامل مهمی بود. کافه و کافه نشینی به‌مثابه فضاهایی عمومی برای تعامل افراد و رشد قابلیت همزیستی به‌ویژه در شهرهای بزرگ امروز، ضرورتی حیاتی دارند. گاهی این کافه‌ها به لحاظ محتوایی، شبیه قهوه‌خانه‌ها می‌باشند و به لحاظ شکل مانند کافه‌های روشنفکری غربی اروپایی هستند.

زمانی که قهوه‌خانه‌ها، جای خود را به کافه‌هایی مدرن پا میز و صندلی دادند، به‌جای صدای قل‌قل قلیان و خوردن استکان‌ها به هم و با صدای مداح و نقال، صدای موسیقی در فضا طنین افکند. آدم‌ها هم جدید شدند، گسترش روابط و آشنا شدن مردم با عناصر نو، منجر به پیدایش تفکرات خاص گردید. این روند ظهور روشنفکران را در پی داشت و به دنبال تلاش آنان برای یافتن مکانی جهت گردهمایی و بحث پیرامون مسائل گوناگون، پاتوق‌های گوناگون روشنفکری شکل گرفتند. نمونه‌های این کافه‌های روشنفکری در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ در تهران کم نبودند اما فقط چند تا از آن‌ها شهرت یافتند. آن‌هم به خاطر نوع فضای این کافه‌ها با غذاها یا موسیقی خاصشان نبوده بلکه شهرت آنان از نام مشتریانشان وام گرفته‌شده بود.

کافه و کافه نشینی در دوره پهلوی

در عصر پهلوی حرکت به سمت غرب و غرب‌گرایی با سرعت خیره‌کننده‌ای آغاز گردیده بود. در این دوره، آشنایی بیشتر با کشورهای غربی و تمایل نشان دادن به آن، باعث شد فرهنگ غرب به همراه خود برخی فضاها مانند تماشاخانه‌ها، کافه‌ها و کاباره‌ها را به دنبال آورد. فرنگ‌رفته‌ها که تحصیلات عالی‌شان اجازه نمی‌داد در قهوه‌خانه‌ها پاتوق کنند و حرف‌هایشان را نزدیک عده عامی و عادی بزنند، در

و رشد کافه نشینی مواجه هستیم. خود کافه‌ها در فقدان زندگی مدنی کلان، نوعی عرصه‌های عمومی خرد و کوچک‌مقیاس را برای روشنفکران می‌ساختند که در هر صورت به نیازهای افراد و محافل محدود پاسخ می‌دادند. در این دوره‌ها یک عرصه عمومی در حاشیه و به‌آرامی ساخته می‌شود که ممکن است بعد تأثیرات اجتماعی و فرهنگی نیز داشته باشد. این عرصه عمومی بخش پنهان جامعه است که در رسانه‌ها حضور ندارد ولی به میزانی که حضور رسانه‌ای روشنفکران افزایش پیدا کند، کافه نشینی از رونق می‌افتد یا کارکردهای فراغتی و کمتر تعاملاتی و فکری انتقادی پیدا می‌کند.

به نظر دکتر فکوهی، چنین فضاهایی برای شهرهای بزرگ ضرورتی حیاتی دارند. این امر البته به معنای آن نیست که این فضاها آسیب‌پذیر یا آسیب‌زا نیستند، اما تصور اینکه بتوان یک کشور بزرگ را با جمعیتی در حد ۰۸ درصد شهری و غالباً با سرمایه‌های فرهنگی بالا، بدون حوزه‌های عمومی گسترده و فراوان و متنوع اداره کرد، کاملاً توهمی است. هراندازه این کافه‌ها، این پاتوق‌ها، این مراکز تجمع که می‌توانند بنا بر سبک زندگی و تمایلات آدم‌ها متفاوت باشند، بیشتر باشند، البته به شرط آنکه حدود قانونی رعایت شود، برای بازتولید سیستم اجتماعی و سالم‌سازی آن بهتر است.

به کار بودند پاتوقشان کافه فردوسی و کافه نادری بود. گذار از قهوه‌خانه به کافه را باید در متن گذار از سنت به مدرنیته بازخوانی کرد و آنچه در این میان همچنان تأمل‌برانگیز می‌نماید تجربه شکست است. در آن سال‌هایی که در تهران، نشانه‌های شهر مدرن شکل می‌گرفت روشنفکرانی که از شانزه لیزه برگشته بودند، دیگر نه فقط به پاتوقی برای هم‌نشینی که به معماری نوین و فضای روشنفکرانه آن نیز می‌اندیشیدند و کافه نادری با آن فضای گشوده و درعین حال معماری ایرانی‌اش، نماد چنین پاتوقی بود؛ جمع شدن در این کافه‌ها، صرفاً محدود به دیدارهای دوستانه نمی‌شد، آنان کار می‌کردند.

کافه و عرصه شهری

با یک نگاه تاریخی اجمالی می‌توان گفت فضاها و مکان‌ها به‌طور کلی برای پاسخگویی به نیازهای زیستی و فرهنگی ایجاد می‌شوند. کافه‌ها و کافی‌شاپ‌ها نیز به نیازهای معاشرت‌پذیری، گفت‌وگو، اوقات فراغت، گروه‌جویی و... جواب می‌دهند. فقدان عرصه عمومی در جامعه توده‌ای نیاز به فضاهای گفت‌وگویی انتقادی را ایجاد می‌کند که بخشی از این نیاز در کافه‌ها ارضا می‌شوند. برای مثال در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی ما با کوچک شدن فضای عمومی

و در خصوص کافه نشینی‌های امروزی کمتر صادق است. پاتوق به‌جایی اطلاق می‌شود که رابطه افراد عاطفی و خودمانی است؛ به همین خاطر گروه تشکیل‌شده کمتر جنبه رسمی پیدا می‌کند. در جامعه پیشامدرن چون پیوندها بیشتر بر نظام محله‌ای و خویشاوندی و شغلی استوار بوده، پاتوق‌ها نیز خصلت شغلی داشته‌اند؛ بنابراین به‌طور عمده در جامعه‌ای مانند جامعه ما که مذهب اهمیت بسیار دارد و دوام پیدا کرده است؛ مسجد و حسینیه و تکیه‌ها نیز جزو پاتوق‌ها به حساب می‌آیند. در مرحله بعد، زورخانه‌ها و بعد قهوه‌خانه و چای‌خانه را داریم و به‌این‌ترتیب انواع پاتوق‌ها در جامعه سنتی به این قرار قابل دسته‌بندی است که خصلت قومی، مذهبی و خویشاوندی داشته است.

الگوی کافه نشینی از پاریس برگرفته شده است. «کافه دولفور»، «خیابان سن ژرمن پره» جایی که پیکاسو، مانیس و براک واژنه و ژان پل سارتر و هرکسی که بود دورهم جمع می‌شدند و ملاقات و تجدید دیدار می‌کردند. یا کافه «دوماگو» که پاتوق ژان کوکتو و مارسل کارونه و پل الوار و ارنست همینگوی و گروتتردستاین و دیگران بود و همین‌ها بودند که مانند طعمه سر قلاب ماهیگیری آدم‌های عادی و سیاهی لشگرها را به کافه‌ها می‌کشاندند و باعث رونق کسب‌وکار می‌شدند. نقاشانی که توی کافه‌های ونیز پرتی می‌کشیدند، گروه‌های محلی که در کافه‌های آکسفورد کتاب‌های شکسپیر را روخوانی می‌کردند، دانشمندانی که بعدها در پرکلی دانشجویانشان را در کافه‌های مشرف به خیابان درس می‌دادند، همه الگوهای رشد یافته قهوه‌خانه‌های خاورمیانه بودند. سالیان بعد که ایرانیان اروپا را دیدند، شیفته کافه‌های اروپایی شدند و در میان سال‌های سلطنت پهلوی این بار، ما کافه‌ها را از اروپا به ایران آوردیم. روشنفکران ما بار دیگر این بار با خاطرات شیرینی که از کافه‌های غرب با خود آورده بودند در کافه‌های مدرن جمع شدند و تشکیل پاتوق‌های روشنفکری را دادند. مثال بارز آن اتفاقی بود که در دهه سی و چهل در کافه نادری شکل گرفت.

درمجموع پدیده کافه نشینی به سبک جدید روشنفکری آن در اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ به اوج خود رسیده بود و آنجا هم نویسندگان، شعرا، هنرمندان پاتوق‌های مخصوص به خود داشتند که رواج مسافرت به غرب در بین قشر مرفه جامعه ایرانی آن روز، با خود فرهنگی کافه نشینی را به دنبال آورد. افرادی که پس از بازگشت از غرب، به مناصب دولتی و مشاغل فرهنگی مشغول



● ● کافه و عرصه شهری ● ●



● ● کافه فلور - پاریس ● ●



● ● کافه فلور - پاریس ● ●

کافه نشینی در بسیاری از شهرهای اروپایی، عادت روزمره می باشد؛ عادت‌هایی که منحصر به گروه خاص نظیر دانشجویان نیست. دانش‌آموزان، افراد شاغل، سالمندان، مادر و پدرهایی که دست فرزندان خردسالشان را گرفته اند و یا با کالسکه فرزندانشان وارد کافه می‌شوند جزء کافه نشین‌ها به حساب می‌آیند. زمان شلوغی کافه‌ها بیشتر عصرهاست. کافه نشینی در فضای بیرون از کافه در اروپا بسیار معمول است. این سبک کافه نشینی به فصل بهار و تابستان محدود نمی‌شود و حتی در بسیاری از روزهای سرد پاییزی و زمستانی که بارندگی نیست، کافه نشین‌ها درحالی‌که پتوی کافه را دور خودشان می‌پیچند در فضای باز بیرون کافه می‌نشینند. این سبک کافه نشینی مسلماً با فرهنگ جامعه مرتبط است. اینکه در فضای بیرون کافه می‌نشینند و درحالی‌که عابران، دوچرخه‌سوارها و خودروها از کنارشان رد می‌شوند؛ چیزی می‌خورند، صحبت می‌کنند و می‌خندند، نشان می‌دهد که با نگاه و حضور عابران راحت روبرو می‌شوند و این فضا برایشان آزاردهنده نیست. کافه نشین‌ها برای نشستن در فضای بیرون کافه با شهر و عابران به تفاهم متقابل رسیده‌اند. کافه نشین‌ها و عابران شهروندانی هستند که ممکن است جایشان در طول روز حداقل یک‌بار عوض شود.

فرهنگ کافه نشینی در معبرها نشان‌دهنده این است که شهر حضور مسلطی بر شهروندان ندارد؛ این شهروندان هستند که جریان و سبک زندگی در شهر را می‌سازند. اینکه کافه نشینی چه کار کردی دارد، نیاز به پژوهش میدانی دارد اما کارکرد کافه نشینی

نشینی در معبر ایجاد فضاهای میانی است، فضای میانی به این دلیل که بین فضای داخل کافه با فضای بیرون پیوند برقرار می‌کند. این فضای میانی گویای حس امنیت و آرامش توأماً در هنگام نشستن در شهر است. نوعی فضای داخلی است که بین کافه و شهر مشترک است بی‌آنکه مزاحمتی برای شهر ایجاد کند. کافه نشینی در معبر نشان می‌دهد که شهر صرفاً فضایی برای عبور و مرور نیست. کافه نشینی در معبر امکانی است برای نشستن در شهر؛ این سبک کافه نشینی از هیاهو و اضطراب رفت‌وآمد در شهر می‌کاهد، همان‌طور که شهر از اضطراب کمتری برخوردار است و امکان نشستن در پیاده‌روها و در فضاهای مجاور کوچه‌ها و خیابان‌ها را مهیا می‌کند. به نظر می‌رسد که در عصر فناوری، فرهنگ کافه و کافه نشینی نشان‌دهنده یکی از معدود باقی‌مانده فرصت‌ها برای فضای عمومی و شهری است. بر همین اساس اقدام سیاست‌گذاران در جهت ایجاد فرهنگ کافه و کافه نشینی تأثیرگذار است کافه جایی است که بحث درباره امور مختلف در آن صورت می‌گیرد بسیاری از اندیشمندان استدلال کرده‌اند که یکی از راه‌ها برای ایجاد تنوع فعالیت بیشتر در مراکز شهرها، تشویق زندگی خیابانی فعال‌تر، اهمیت به موضوع کافه‌ها و فرهنگ کافه نشینی است. فرهنگ کافه و کافه نشینی به‌عنوان بخشی گسترده در جهت رسیدن به شهر ۲۴ ساعته می‌باشد.

- خونمری، فائزه، (۱۹۳۱)، فضاهای جمعی با رویکرد گذران اوقات فراغت در معماری دوره پهلوی (مطالعه موردی: کافه نادری تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه هنر اصفهان.

- دبیری، بهرام، (۱۳۸۹)، روزنامه شرق، شماره ۱۰۲۲.

- صدری، فاطمه، (۱۳۹۰)، بررسی مردم‌شناختی سیر تحولات کافه و کافه نشینی (مطالعه موردی مناطق مرکزی شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مردم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

- غمام نو، المیرا، (۱۳۹۴)، بررسی نقش فرهنگی کافه‌ها در تولید فضای شهری موفق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

منابع

قهوه‌خانه آذری

نویسنده: فرشید رحیمی



•• ورودی قهوه‌خانه آذری ••



•• پیشخوان و لابی قهوه‌خانه آذری ••

این قهوه‌خانه در خیابان ولیعصر، نزدیک میدان راه‌آهن و روبروی ساختمان ناحیه ۴ شهرداری قرار دارد.

پیش از بازسازی

مساحت کل ساختمان قهوه‌خانه چیزی حدود ۰۷۲ مترمربع است. قهوه‌خانه یک فضای سرپوشیده، یک حیاط و یک آشپزخانه داشته است. فضای سرپوشیده در ضلع غربی خیابان ولیعصر واقع است و درب ورودی قهوه‌خانه به آن باز می‌شود. حیاط قهوه‌خانه در پشت این فضا و در قسمت غربی آن قرار دارد. بنا بر مشاهدات، معماری ساختمان قهوه‌خانه ساده و معمولی بوده و از آرایه‌ها و تزئین‌های معمول در قهوه‌خانه‌های سنتی قدیم، هیچ اثر و نشانی در آن نبوده است. بنا به گفته قهوه‌خانه‌دار قبلاً فضای سرپوشیده قهوه‌خانه آینه‌کاری داشته و چند تابلوی نقاشی از داستان‌های شاهنامه زینت‌بخش دیوارهای آن بوده است. دستگاه بساط سماور و جای در بخشی از فضای سرپوشیده و دستگاه پخت‌وپز خوراک در آشپزخانه‌ای در ضلع جنوبی حیاط قهوه‌خانه قرار داشته است. حیاط قهوه‌خانه دارای باغچه‌ای بوده با چند درخت و درختچه. یک حوض نیز قبلاً در وسط حیاط بوده که آن را پر کرده‌اند. در گذشته قهوه‌خانه پاتوق چند دسته از کارگران ناحیه راه‌آهن جوادیه بوده است. طبق کیش‌ها و کارگران نانوائی و حمامی و سازمان چای در این قهوه‌خانه پاتوق می‌کردند. بعضی از دانش‌مشتی‌های جوادیه نیز به این قهوه‌خانه می‌آمدند. سال‌ها در این قهوه‌خانه بساط نقالی و شاهنامه‌خوانی می‌کردند و بعضی از بازی‌های مرسوم در قهوه‌خانه‌ها مانند «ترنابازی» برپا بوده است. چند سال هم مرشد برزو، نقال مشهور تهران، در آن نقل گفته است. در شب‌های ایام محرم نیز در قهوه‌خانه مجلس ذکر مصیبت برپا بوده است. حدود سی سال قهوه‌خانه آذری برنامه نقالی و شاهنامه‌خوانی و مجلس عزاداری نداشته و به‌صورت یک دکه کسب و کاسبی مطلق درآمد است.

تالار قهوه‌خانه

تالار سرپوشیده قهوه‌خانه به شکل «ال» است که یک بازوی آن باریک‌تر از بازوی دیگر است. بازوی باریک در ابتدای تالار قرار گرفته و پیشخوان قهوه‌خانه در میان آن ساخته شده است. این پیشخوان فضا را از طول به دو بخش شمالی و جنوبی و جدا از هم تقسیم می‌کند. بخش شمالی پیشخوان راهروی ورودی و ارتباطی قهوه‌خانه است. در سینه کاه‌گلی دیوار شمالی راهرو دو جام آینه با قاب‌بندی کاشی سبز و لاجوردی کار گذاشته شده است. پای دیوار در پائین قاب‌های آینه، سکوبندی آجری و بالای قاب‌ها و در زیر سقف رف بندی گچی است. جاکفشی‌هایی با دهانه قوسی در زیر سکوها درآورده شده است. دیوارهای بدنه و روی سکوها و هزاره بالای آن‌ها پوششی از کاشی سفید دارد. آینه‌های راهرو، نه تنها فضای ورودی قهوه‌خانه را روشن می‌کند، بلکه آن را بزرگ‌تر نیز می‌نماید.



پس از بازسازی و احیا

بازسازی ساختمان قهوه‌خانه آذری و تبدیل معماری فضاهای قدیم آن به یک معماری سنتی، بر اساس طرحی که بر پایه مدارک و اسناد تاریخی و اطلاعات شفاهی صاحب‌نظران و مطالعات تهیه شده بود، انجام گرفت. در بازسازی و ترکیب‌بندی فضاها و نماها و آرایه‌ها کوشش شد تا عمدتاً از آجر و کاشی و سنگ و چوب و گچ و کاه‌گل استفاده شود تا از طریق آمیختگی این نوع مصالح باهم در فضاها بافتی از یک معماری سنتی از قهوه‌خانه‌های قدیم در چشم بینندگان جلوه‌گر و نمودار گردد.

ساختمان قهوه‌خانه به چند فضای «بسته»، یا «سرپوشیده» و «باز» و «نیمه بسته» و با کاربری‌های گوناگون تقسیم شده است. فضای بسته یا اصلی ساختمان، در ابتدا و سمت مشرق ساختمان قرار دارد و دربرگیرنده بخش‌های ارتباطی، خدماتی و پذیرائی است. فضای باز یا سرگشاده آن که حیاط یا باغچه قهوه‌خانه است، در سمت مغرب و پشت تالار سرپوشیده قرار گرفته و کاربری پذیرایی و ارتباطی دارد. فضای نیمه بسته قهوه‌خانه هم در انتهای حیاط و در ضلع غربی آن ساخته شده و شامل ایوانی است که «سردم» قهوه‌خانه در آن بسته شده و دارای کارکردهای مختلف نمایشی-هنری و پذیرائی است.

حیاط قهوه‌خانه آذری
پس از بازسازی و احیا

تالار قهوه‌خانه آذری



نمای داخل ساختمان قهوه‌خانه

ازاره دیوار ضلع جنوبی این بخش و روی پیشخوان را کاشی‌های سفید پوشانده است. حداث کاشی‌های ازاره و گچ کاری دیوارها در تمام فضای سرپوشیده با کاشی‌هایی به نام «جُوک»، به ضخامت ۳ سانتی‌متر و به رنگ سفید و سرمه‌ای، مزین و از هم متمایز گردیده است. تالار اصلی پذیرائی، یا شاه‌نشین قهوه‌خانه در بازوی پهن و گشاد فضای سرپوشیده قرار دارد. این تالار در ضلع غربی از طریق دو دهانه با درها و پنجره‌های شیشه‌ای الوان و شمسه دار به فضای باز یا حیاط قهوه‌خانه راه می‌یابد و از آن نور می‌گیرد. بر دیوارهای ضلع جنوبی و شمالی و شرقی تالار، قاب‌های کاه‌گلی با دوره گچی درآورده شده که روی آن‌ها تابلوهای نقاشی و عکس‌های پهلوانان نصب است. دورتادور دیوارها در زیر سقف، طاقچه‌های گچی برای چیدن اشیای تزئینی و در گنج دیوار شمالی و چسبیده به دیوار شرقی درگاهی گچی با کف کاشی لاجوردی هست. این درگاه با شمایل امیر مؤمنان و چراغ‌های پایه‌بلند بلوری شرابه‌دار آرایش یافته است. در پای دیوار جنوبی و فضای دو طرف و میان دهانه درب‌های غربی سکوهایی با جاکفشی ساخته شده است. حوضچه‌ای مستطیلی شکل و سنگی و پاشویه دار با پوشش کاشی آبی در میان این فضا و جایی برای گذاشتن قلیان یا گلدان در چهار کنج لبه حوضچه و فواره‌های سنگی در میان آن تعبیه شده است.

سمت جنوبی پیشخوان بخش خدماتی قهوه‌خانه است. در این بخش تمام دم‌دستگاه قهوه‌خانه، از اسباب سماور و چای گرفته تا کوره و اجاق و دودکش و کتّه زغال و تخت و دُخلدان قهوه‌خانه جاسازی شده و سامان یافته است. پیشخوان با تیغه‌های آجری در طول راهرو برآمده است. تنه دیواره پیشخوان در نمای راهرو با آجر قاب‌بندی شده و درون قاب‌های ردیف پائین با کاشی‌های لاجوردی و درون قاب‌های ردیف بالا با کاه‌گل پوشانیده شده است. در فضای زیر پیشخوان، کتّه یا انباری‌هایی برای گذاشتن اسباب و وسایل قهوه‌خانه درست شده که دهانه آن به سوی جنوب و بخش خدمات است. کوره و اجاق و کتّه و جای ظرف‌شویی هم در پای دیوار جنوبی بخش خدمات بنا گردیده است.

حیاط قهوه‌خانه

پنجره آشپزخانه در دهانه طاق نمای میانی باز می‌شود. طاق بندی دیگری از آجر ساده، حائل میان حیاط و دیوار جنوبی زده شده که بلندی آن کوتاه‌تر از طاق نمای دیوارها است.

این طاق بندی یک راهروی ارتباطی جدا از صحن پذیرائی حیاط برای خدمات‌رسانی کارکنان فراهم می‌آورد. در وسط حیاط یک حوض هشت‌ضلعی سنگی با یک سنگاب قرار دارد. در چهار کنج حوض هم باغچه‌های کوچکی برای گل‌کاری اختصاص داده شده است.

کاه‌گلی است و در میان دیوار هر طاق‌نما یک طاقچه کوچک گچی درآورده شده.

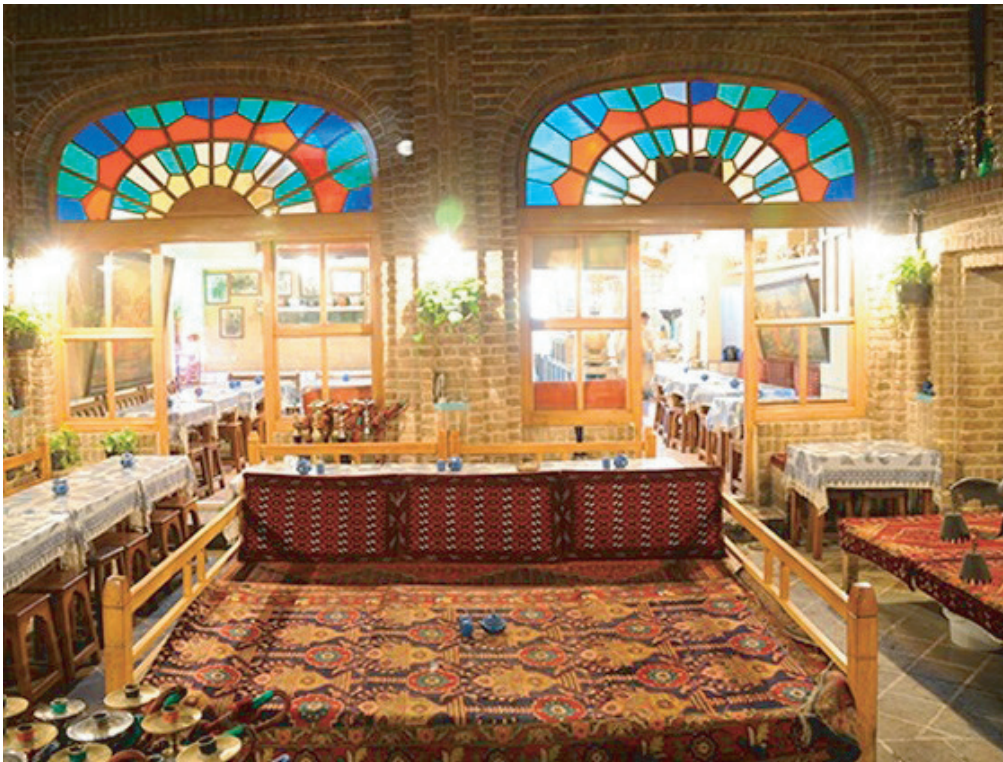
در هر یک از ستون‌های جانبی طاق‌نماها یک تورفتگی به پهنای یک آجر قزاقی و بلندی حدود نیم متر با کف کاشی هست. بالای هر یک از این طاقچه‌نماها چراغ دیواری با کلاهکی طبقی آویخته شده است. در پای هر دهنه طاق‌نما هم سکوی آجری برای نشستن قرار دارد. در ضلع جنوبی حیاط، آشپزخانه قهوه‌خانه است. دیوار آن مانند دیوار شمالی حیاط با سه دهانه طاق‌نما قرینه‌سازی شده و در و

حیاط قهوه‌خانه فضایی به مساحت یک‌صد مترمربع و محلی برای پذیرائی از مشتریان است. ضلع شرقی حیاط، تالار سرپوشیده قهوه‌خانه است که با دو دهانه در چوبی به هم راه می‌یابند. در ضلع غربی حیاط، ایوان نیمه بسته قهوه‌خانه ساخته شده است. دیواره شمالی حیاط با سه دهانه طاق‌نمای قوسی-جناغی با آجر گری نمایندی شده است. قوس‌ها و لبه‌های آن‌ها با بهره‌چینی و با پیش‌آمدگی و تورفتگی سطح‌ها، جدا بودن از هم را نشان می‌دهد. سطح جداره دیوار درون طاق‌نماها

حیات قهوه‌خانه

ایوان یک صُفه با سکوی سقف دار آجری با پیشانی آجرکاری است. این ایوان در ضلع غربی حیاط و در سمت شمالی راهروی سرپوشیده که به مجموعه فضاهای پشت ایوان مربوط است، بنا گردیده. در دیوار دو طرف جبهه گشوده ایوان دو روزن طاق‌نما مانند با قوس‌های نیم‌دایره و با پوشش آجر گری است که راه دیدی از درون ایوان به سوی حیاط می‌گشاید. در فضای پشت ایوان صورت خانه یا رختکن و در انتهای راهروی سقف دار و در عقب ایوان و صورت خانه، انبار و دستشویی‌های قهوه‌خانه قرار دارد.

بخش‌های پذیرائی در فضاهای بسته (تالار سرپوشیده) و باز (حیاط) قهوه‌خانه با مجموعه‌ای تخت و نیمکت و چهارپایه و میز چوبی پر شده است. تخت و نیمکت‌ها شکلی سنتی دارد و از نمونه تخت و نیمکت‌های قهوه‌خانه‌های سنتی قدیم بازسازی شده است. روی تخت‌ها و نیمکت‌ها را گلیم و قالیچه و روی میزها را سفره قلمکار می‌پوشاند. در اوقاتی که در صُفه ایوان برنامه‌های فرهنگی - هنری مانند نقالی، شاهنامه‌خوانی، نمایش، تعزیه و موسیقی و ... اجرا نمی‌شود، می‌توان در آن تخت و نیمکت گذاشت و از آن همچون یک فضای پذیرائی استفاده کرد.



● ایوان قهوه‌خانه آذری پس از بازسازی و احیا ●

آرایه‌ها

فضاهای ساختمان قهوه‌خانه با مجموعه‌ای پرده و تابلوی نقاشی، شمایل حضرت امیر المومنین علی (ع)، عکس‌های پهلوانان، اسباب و اشیای قدیم و زینتی، اسباب و اشیای مذهبی، گل و گلدان آرایش شده است.

شمایل حضرت امیر مؤمنان یک نسخه عکسی از آثار نقاشی قرن یازدهم هجری قمری است. تابلوهای نقاشی آثاری از استادان مکتب نقاشی قهوه‌خانه، مانند استاد حسین همدانی و استاد حسن اسماعیل‌زاده است. عکس‌های چند تن از پهلوانان و کشتی‌گیران و زورخانه‌کاران برجسته و نامدار قدیم ایران، مانند پهلوان ابراهیم یزدی، پهلوان اکبر خراسانی، پهلوان حاج سید حسین رزاز و جمعی دیگر را نشان می‌دهد. مجموعه‌ای از اسباب و ظروف سفالی و چینی و شیشه‌ای و چوبی و فلزی، از جمله اسباب سماور و چای، ظروف نهار و ... رفا و طاقچه‌های قهوه‌خانه را زینت می‌بخشد.

قاب کاه‌گلی دیوار ضلع غربی ایوان قهوه‌خانه با بعضی از وصله‌های درویشی و علائم صنفی آراسته شده است. سخنوران و نقالان به هنگام سخنوری و نقالی در ایوان از این آرایه همچون یک «سردم» آراسته به نشان‌ها و علائم درویشی و صنفی استفاده می‌کنند. این اشیا عبارت است از تخته‌پوست، تبرزین، کشکول، رشمه، مَن‌تشاء، هزارگره، شاخ نفیر، چننه، شمشیر، خنجر، کلاه خود، سپر، مطراق، زنگ و دندان نهنگ.



● ایوان قهوه‌خانه آذری پس از بازسازی و احیا ●

کتاب "قهوه‌خانه‌های ایران، نوشته علی بلوک باشی، (۱۳۷۵)، دفتر پژوهش‌های فرهنگی
<http://www.shafaonline.ir>
<http://tnews.ir>

منابع

از قهوه‌خانه تا کافه‌های شهری در استانبول

نویسنده: محمد تقی رافسیجانی

حالت انفعال خارج و به افتخار ملی بدل کند؛ و برای ترکیه چه عنصری ملموس‌تر و جهانی‌تر از قهوه. ترکیه‌ای که در قرن ۷۱ میلادی پرچم‌دار افتتاح اولین قهوه‌خانه‌ای ثبت شده می‌باشد، بار دیگر و با چهره‌ای متحول شده خود را در عرصه توریسم مطرح می‌کند. این تغییرات البته نیازمند پوست‌اندازی کالبدی قهوه‌خانه نیز بود و رفته‌رفته مدرنیسم پیوندی غیرقابل انکار با آن برقرار کرد. چهره قهوه‌خانه‌ها را از پلانی مربع با حیاطی مرکزی که در حول آن تخت‌ها جانمایی می‌شد و سکویی برای اجرا و قسمت‌های شاخص دیگر بود را، به جداره‌های شهری و با ارتباطی رودرو و بی‌واسطه با مردم بدل کرد.

شکل کافه‌های امروزی استانبول تنها ریز عناوینی شکلی از پدران قهوه‌خانه‌ای خود به ارث برده‌اند و در فرم اما قضیه کاملاً متفاوت است. شاید اغراق نباشد که استانبول امروزی را علاوه بر جنبه‌های تاریخی و معماری‌اش، از جنبه اجتماعی، «شهر کافه‌ها» بنامیم. کافه‌هایی که در جداره‌های شهری همچون کلاژی‌های ریزودرشت، مدرن و سنتی به هم تنیده شده‌اند تا فرهنگی از دیالوگ و گفتگو و در نگاهی جامعه‌شناسانه تعامل بخش را از درون فنجان‌هایی ته‌نشین شده به سرتاسر شهر تزریق کنند. فضایی که هدفش از سرگرمی امروز به انعقاد کلام تغییر پیدا کرده است.

در قرن‌های پیش صحبت از قهوه‌خانه‌ها در استانبول تقارن معنایی عمیقی با سرگرمی داشت. قهوه‌خانه‌هایی که پذیرایی انواع سرگرمی نظیر اجراهای صحنه‌ای، موسیقی و دیگر اقسام سرگرمی بوده است. حتی در مواردی که این اشکال از سرگرمی برای پر کردن فراغت مردمان آن دوره از امپراتوری عثمانی فراهم نبود، کتابی انتخاب و به صورت بلند در جمع خوانده می‌شده است. به نوعی نام قهوه‌خانه‌ها تا دیرزمانی معنایی جز سرگرمی، نوشیدن قهوه، چایی و استعمال قلیان نمی‌داده است.

برخلاف این‌که برای اولین بار قهوه از طریق امپراتوری عثمانی به سمت اروپا منتقل شد، ترک‌ها مبدع کافه‌شاپ‌ها به اشکال امروزی نبودند. بلکه آمریکایی‌ها با افزودن منو به کافه‌ها شکل کافه گردانی را تغییر و رفته‌رفته تمرکززدایی مطلق از سرگرمی را معطوف چیزهای دیگر کردند. درحالی‌که در عثمانی آن زمان کماکان عقاید سفت و سختی در مورد قهوه‌خانه‌ها پابرجا بود که بعضاً نیز همین شیوه در ترکیه امروزی نیز مشاهده می‌شود. پس از ظهور کافه‌های غربی و همچنین سقوط امپراتوری عثمانی، قهوه‌خانه‌ها نیز رفته‌رفته در ترکیه اشکال خود را تغییر و وارد مرحله جدیدی گشتند.

وقتی پای رمانتیسیسم در هنرها به میان می‌آید ملی‌گرایی شاخص‌ترین زیر گرایش‌های اجتماعی آن نمودی پررنگ‌تر پیدا می‌کند. این چنگ‌اندازی به ریسمان ملی‌گرایی نیازمند عنصری است که بیشترین فراخوان احساسات ملی را در درون جامعه پررنگ کند و از





●● کافه‌های امروزی در استانبول ●●

گردشگری و تعامل اجتماعی خود را دنبال می‌کنند

اگر معماری در انتزاعی‌ترین شکلش همان حواس چندگانه انسان باشد محتوایی است که از ترکیب حس لامسه، دیداری و بویایی به فرمی بدل می‌شود که جان دارد، فضا دارد و اثرگذار است. کافه ایی که شهر را در برمی‌گیرد، میزهایی که خود را در شهر سهیم می‌دارند، صدای سنگ‌فرشی پر از تاریخ به همراه بوی قهوه‌ای که نخست که تمام نوستالژی‌ها را برای استانبول امروزی فرامی‌خواند

به رفتاری اجتماعی بدل گشته است و در مدرن‌ترین حالت آن رفته‌رفته به سنتی تبدیل گشته که احساس راحتی را همچون خانه‌ای به مردمانش عرضه می‌دارد. نکته‌ای که در میان حائز اهمیت است این است که در لایه‌لایه‌های شهر استانبول هرچه به فضاهای سنتی مانند بازار سنتی این شهر نزدیک‌تر می‌شویم فرم‌ها بیشتر سمت‌وسوی قهوه‌خانه‌ای به خود می‌گیرد و چای و قهوه به همراه بازی و سرگرمی دوباره رونق پیدا می‌کند و هرچه به بافت مدرن‌تر استانبول نزدیک می‌شویم، شکل کافه‌های مدرن‌تر و با منوهای متنوع اهداف

کافه‌های امروزی استانبول فضای سومی نیز به شهر افزوده‌اند. فضایی نامرئی اما جان دار، حدفاصل هیاهوی خیابان و کافه‌ها، ردیف‌هایی از میزهایی که بی‌پرده مانند دستی از کافه‌ها بیرون زده‌اند و حق بیشتری از آزادی را از فضا طلب می‌کنند. نمونه ایی از این مدل کافه‌ها در دیگر شهرهای اروپایی و حتی آمریکا نیز وجود دارد اما چیزی که سبب می‌گردد استانبول همانند پیشینه‌اش در کافه گردی نیز جالب به نظر برسد، نقشی است که این مکان‌ها ایفا می‌کنند. کافه نشینی و نوشیدن قهوه در استانبول امروزی از امری عادی

به یاد داریوش شایگان

نویسنده: ابوالفضل کربلائی حسینی غیاثوند

اسلامی» ایران، همیشه یک‌سوی مهم اندیشه‌ورزی‌های شایگان بوده است؛ اندیشیدن به این موضوع که فرهنگ ایرانی - و در مقیاس گسترده‌تری

«فرهنگ آسیایی» - در مواجهه، تقابل یا تعامل با مدرنیته غربی در چه موضوع یا موضعی قرار دارد - یا می‌تواند قرار داشته؛ آثار او مستقیم یا غیرمستقیم، بر اساس این پرسش و دغدغه فرهنگی نگاشته و منتشر شده‌اند؛ آثاری چون «آسیا در برابر غرب»، «افسون زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار»، «بت‌های ذهنی و خاطره‌های ازلی»، «در جستجوی فضاهای گمشده» و ... ایشان در توضیح کتاب خود با «جستجوی فضاهای گمشده در معماری» تناسب بین انسان و فضای ذهن را این‌گونه بیان می‌کنند

« میان مسکن، یعنی فضای بنا شده و فضای ذهن و اقلیم دل، هم‌شکلی‌های اجتناب‌ناپذیری وجود دارد، به طوری که نمی‌توان یکی را بدون دست بردن در دیگری تغییر داد. معماری همیشه تحقق یک رؤیا، یک اتوبی، یا یک تخیل جمعی بوده است؛ و هر محتوای فضایی با یک شیوه زندگی، یک نحوه شناخت و حتی می‌توان گفت یک شیوه حضور همراه است.»

از نظر شایگان، شهرها یک کوله‌بار سنگین تاریخی را بر دوش می‌کشند و بناهای با عظمت و باشکوه بشر را در خود جای می‌دهند. این‌گونه است که با گذر از شهرهای بزرگ از شرق تا غرب جهان، می‌توان تصاویری را درک کرد که در واقع «تصاویر سینمایی زندگی» هستند که در آن واحد جلوه‌گر می‌شوند. ایشان در کتاب خود پاریس قرن ۹۱ و شهر اصفهان را این‌گونه مقایسه می‌کنند

« در پاریس قرن نوزدهم، شهرسازی به شیوه هوسمان درعین حال نشانه پیروزی سرمایه‌داری است. هوسمان با حکم ناپلئون سوم، پاریس را مطابق برنامه‌ریزی معینی در راستای مدرنیزاسیون شهر، نخست تخریب و سپس بازسازی کرد، یعنی آن را از شهری قرون‌وسطایی به شهری مدرن تبدیل کرد. او شبکه وسیعی از بلوارها در مرکز بخش قدیمی شهر ساخت که مقرر بود نقش شریان‌های اصلی را در سیستم شهری ایفا کنند. احداث این بلوارها، تخریب کامل حلبی‌آبادها و بسیاری از

داریوش شایگان، فیلسوف، نظریه‌پرداز اجتماعی، نویسنده و مترجم ایرانی روز پنج‌شنبه، دوم فروردین ۷۹۳۱ در سن ۳۸ سالگی درگذشت.

داریوش شایگان در بهمن‌ماه ۴۱۳۱ در شهر تهران متولد شد. او تحصیلات مقدماتی خود را در مرکز آموزشی «سن‌لویی» گذراند و بعد از آن برای تحصیل به خارج از کشور رفت و با اخذ درجه دکترا در رشته هندشناسی در سال ۷۴۳۱ به ایران بازگشت و به تحقیقات خود پیرامون ادیان به‌ویژه ادیان هندی ادامه داد که حاصل آن کتابی دوجلدی بود به نام «ادیان و مکتب‌های فلسفی هند» که از سوی انتشارات امیرکبیر منتشر شد.

داریوش شایگان، بی‌شک یکی از چند متفکر برجسته، تأثیرگذار و بین‌المللی ایران در یک‌صد سال گذشته بوده است؛ میراث او را گذشته از آثار مکتوب او (کتاب‌ها و مقالات متعدد به فارسی و غیرفارسی) باید در منش، شخصیت و نگاه او جستجو و از آن به‌عنوان الگویی سودمند برای اندیشه‌ورزی بهره‌برداری کرد. کتاب‌های: ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، تصوف و هندوئیسم، افسون زدگی جدید: هویت چهل‌تکه و تفکر سیار، بت‌های ذهنی و خاطره‌های ازلی، انقلاب دینی چیست، آمیزش افق‌ها، بینش اساطیری، پنج اقلیم حضور، در جستجوی فضاهای گمشده، نگاه شکسته، جنون هشجاری و فانوس جادویی زمان از دیگر آثار منتشرشده از

داریوش شایگان در ایران است. این فیلسوف ایرانی در فرانسه با کتاب‌های خود در حوزه فلسفه و عرفان شناخته‌شده است. او که با «هنری کرین» ایران‌شناس، اسلام‌شناس و شیعه‌شناس فرانسوی و اولین مترجم آثار مارتین هایدگر به زبان فرانسه روابط نزدیکی داشت، کتابی نیز درباره او به زبان فرانسه منتشر کرد. وی در سال ۴۰۰۲ برای نوشتن رمان «سرزمین سراب‌ها» موفق به دریافت جایزه آدلف از موسسه نویسندگان فرانسه شد.

تلاش او برای تشویق افراد به‌مواجهه هرمنوتیک با فرهنگ‌ها و کوشش برای فهم دیگر فرهنگ‌ها، کلید فهم اندیشه شایگان است؛ اما برای او فهم دیگر فرهنگ‌ها، غایت اندیشه‌ورزی و فرهیختگی نیست؛ او به ذوب یا آمیزش افق‌های فکری و فرهنگی می‌اندیشد. «هویت» و «فرهنگ ایرانی -





ساختمان‌ها، آوارگی ساکنان آن‌ها و نابودی برخی از محلات قدیمی شهر را در پی داشت و این امر باعث درهم‌شکستن حصارى شد که گرد جهان نسبتاً بسته تهیدستان شهری کشیده شده بود. بدین ترتیب مستمندان برای اولین بار به دیگر قسمت‌های شهر راه یافتند و به این ضیافت جدید گام نهادند. در دو سوی بلوارها، مغازه‌ها و بنگاه‌های تجاری و ساختمان‌های شیشه‌ای و انواع رستوران‌ها و کافه‌ها با چراغ‌های گازی و تزئینات پرزرق‌وبرق سحرآمیزشان بنا شدند و این‌چنین زندگی شبانه پاریس با تأثرها و تجملات و عیش و عشرت‌های شبانه‌اش آغاز شد و خلیقات مردم را هم به تدریج دستخوش تغییر کرد. انعکاس این تصاویر و صحنه‌ها را به کرات در آثار بودلر بازمی‌یابیم. بودلر، پاریس از بین رفته را به شیوه خود زنده می‌کند. در واقع عالم خیال و هنر، عالمی هاله بخش است و بودلر از طریق خلاقیت شاعرانه در پی آن است که به بقایای دنیای تکه‌تکه که بیجان و بی‌رمق و بی‌کس‌اند، جان تازه‌ای بدمد و نقش استعاره ساز او از دیدگاه والتر بنیامین در اینجا بروز می‌یابد. بی‌خود نیست که بودلر را شاعر بزرگ مدرنیته خوانده‌اند، چراکه ویژگی مدرنیته به گفته بنیامین عبارت است از ناپدید شدن هاله راز آمیز، به این معنا که ارزش کالای تجاری جایگزین ارزش آیینی اشیا می‌شود تا به کالایی قابل مبادله و نمایشی تبدیلش کند. بودلر با احساس عمیق این فروپاشی هاله، به مدد شعرش، منزلت جدیدی به اشیا می‌بخشد

ولی با این تفصیل اگر از پاریس به اصفهان گذر کنیم، با برداشتی کاملاً متفاوت از فضای شهری روبه‌رو می‌شویم. در این فضای شهری نه تنها صنعت بزرگ هنوز ظاهر نشده، نه تنها تشنج‌های بزرگ مدرنیته، یعنی تضادهای بین فرد و جامعه، درون و بیرون، ناشناخته و بیگانه مانده، نه فقط اثری از نهادهای مدنی در آن سراغ نمی‌توان کرد، بلکه نحوه تظاهر بینشی هم که طراح آن است از ساحت‌های دیگر وجود نشأت می‌گیرد. در اصفهان از آن نهادهای مدنی که در پاریس و وین از آن‌ها سخن گفتیم اثری نیست، مثلاً پارلمان، شهرداری، دادگستری و غیره... در واقع اهالی اصفهان برخلاف اهالی پاریس و وین، شهروند نیستند بلکه مؤمنانی هستند زیر سلطه دو قدرت: دیانت و سلطنت؛ و قدرت هم دارالخلافت عباسی است و مظهر آن عالی‌قاپو در میدان شاه. استعاره سازی بودلر که صفت برجسته واقعیت پاریس قرن نوزدهم بود، در این فضا هیچ مصداقی ندارد؛ زیرا در اینجا آن هاله‌ای که بنیامین بدان اشاره می‌کرد، فرو ریخته، بلکه برعکس سراسر فضای شهری در جو جادویی هاله غوطه می‌خورد. در اینجا الفبای فضا، استعاره نیست بلکه بینش تجلی است که منشأ خود را از تخیل خلاق که همان عالم مثال عرفان ایرانی است، برمی‌گیرد. در اینجا مدرنیته با تمام غنا و تعارضات خود هنوز ریشه ندوانیده، بلکه بالعکس شهر وجه مشهود و ملموس یک سنت کهن است. پس اگر بخواهیم برای این شهر هم شاعری متصور شویم، چنانکه بودلر را برای پاریس برگزیدیم، می‌توان از حافظ شیراز نام برد؛ یعنی شاعری که جهان را به صورت فضایی معلق در فاصله بین مبدأ و معاد و ازل و ابد می‌تواند ببیند

این‌چنین اندیشه ورزی ژرف‌نگری به فرهنگ و جامعه را کمتر در آثار سایر اندیشمندان کشورمان سراغ داریم؛ شاید به خاطر همین عمق و گستردگی دانش و نگاه اوست که شایگان در میان اندیشمندان معاصر کشورمان مورد توجه قرار گرفته است. قطعاً ارزش نهادن و بهره‌برداری از میراث فکری و معنوی او می‌تواند چراغ راهی برای شناخت هر چه بیشتر و عمیق‌تر فرهنگ کشورمان باشد.

بالکریشنا دوشی برنده جایزه پریتزکر

نویسنده: محمدتقی رافسیجانی

معمار برجسته و مسیری که او از ابتدا تاکنون طی کرده است را در نکاتی کوتاه بیان خواهیم کرد. دفتر دوشی در هند که «واستو شیپا» نام دارد، فهرستی تهیه کرده است از جاهایی که در احمدآباد حتماً باید دیده شود؛ بنابراین بازدیدکنندگان دفتر دوشی به راحتی می‌توانند این بناها را که تصاویرشان در دفتر دوشی نصب است ملاحظه کنند و از این طریق به زمینه و ریشه طراحی‌های دوشی که بنیانی برای کارهایش است پی ببرند.

بین سال‌های ۱۵۹۱ تا ۵۵۹۱ دوشی مستقیم و تحت هدایت لوکوربوزیه و در دفتر وی در پاریس کار می‌کرده است و شاید بتوان گفت که بزرگ‌ترین بخش از تحول وی مربوط به همین دوران است که بعدها در کارهای وی نمود پیدا کرد؛ به نحوی که بیان می‌دارد تا به امروز در ورودی اتاق محل کارش کماکان تصاویر این معمار سوئیسی را در کنار تندیس‌هایی از الهه‌های «دورگا» و «لرد گانشا» نگاه می‌دارد. دوشی نقل می‌کند که لوکوربوزیه با انگلیسی دست‌وپاشکسته با وی سخن می‌گفته است به نحوی که بعضاً نامفهوم در کلامش او مشاهده می‌شده؛ اما دوشی این موقعیت را این‌گونه تعبیر کرده است: «وقتی شما زبانی را نمی‌دانید، ارتباط برقرار کردن بیشتر سمت و سوی بصری و فضایی به خود می‌گیرد».

دوشی یکی از عوامل طراحی و ساخت چندین‌گانه به‌عنوان پایتخت ایالات پنجاب بوده است. در آنجا به وی مسئولیتی برای طراحی خانه برای ۰۰۰۱ نفر از نیروهای دولتی سپرده می‌شود. این پروسه راهی را برای وی ترسیم می‌کند برای دستیابی به ساخت فضاهای کم‌هزینه به بهترین کیفیت ممکن. همچنین نگاه دقیق‌تر به کارهای دوشی نشان می‌دهد که وی علاقه بسیار زیادی به استفاده از دیوارهای باربر (برشی) با ضخامت‌های زیاد دارد که یکی از بهترین المان‌ها برای استفاده در آب‌وهوای گرم هند است که به‌عنوان حجم توده حرارتی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دوشی همچنین با «موشه صفدی»، نادر اردلان و «جوزف لوئیز سرت» استاد دانشگاه هاروارد در نوشتن لایحه حق مسکن طبیعی، همکاری داشت که در سال ۱۹۷۶ و توسط دولت ایران در کنفرانس ونکوور کانادا ارائه و رونمایی شد.

وقتی نام دوشی به‌عنوان اولین معمار هندی که برنده جایزه معتبر پریتزکر شده است مطرح گردید، هیئت‌داوران متنی در ستایش دستاوردهای وی منتشر کرد که قسمتی از آن چنین اشاره شده است: «وی با قدردانی و درک عمیق فراوان نسبت به سنت‌های هند، پیاده‌سازی و ادغام هنر محلی و ایجاد یک اتحاد در هارمونی بخشیدن به تاریخ و سنت‌های کشور خود یعنی هند، در طول دهه‌های فعالیت خود، زمینه‌ساز پیشرفت و تغییر در طول زمان در کشور خود شده است». در زمانی که معماری به فرم‌های گمراه‌کننده هستند و همچنین به ن ماهایی که کاملاً با زمینه خود متفاوت هستند سقوط می‌کند، امید آن می‌رود که جایزه امسال پریتزکر سبب شود توجه جامعه معماری به ظرفیت‌ها و همچنین خلق محیط‌هایی برای احترام به جامعه بشری، جلب شود. امروزه زمان آن است که جامعه بشری به درک متناسب از اهمیت نقش معمار در مداخله در محیط‌های ساخت دست انسان برسد. موضوعی دقیق و حساس که پیشرفت‌های تکنولوژی و حتی زیرساخت‌های مبتنی بر ماشین نتوانستند راه‌حلی در خورد نیازهای پایه‌ای انسان ایجاد کنند؛ و این اتکا بر تکنولوژی امروزه منجر به خلق تجربه‌هایی از تنهایی، جدایی اجتماعی و حتی تجربیات ناسالم گشته است. مجموعه آثار دوشی در طی سال‌ها فعالیت وی نشان می‌دهد که ساختمان‌های معاصر می‌توانند بیانگر عمیق‌تری از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی باشند که معماری با تلفیق پیچیده از تمام مسائل اهمیت‌ها که در بالاترین وجه ممکن خلق زمینه‌ای برای زندگی است، معمار را به خدمت‌رسانی برای هدفی به نام جامعه انسانی معرفی می‌کند. دوشی علاوه بر آثار مهمی که در طی این سال‌ها به‌عنوان معمار آفریده است، شخصیت وی به‌عنوان استادی که در تمامی لحظات تجربیات خود را پیوسته در اختیار دانشجویان در تمامی جهان قرار می‌دهد نیز الهام‌بخش معماران جوانی است که در مکتبی که وی معماری می‌کنند.

«بالکریشنا دوشی» در آستانه دهه نهم زندگی‌اش مفتخر به دریافت جایزه معتبر پریتزکر شد که نام او را بیش از همیشه بر سر زبان‌ها انداخت. بدین منظور نگاهی به روند کاری این

یادآور مفهوم معمار خدمت‌رسانی است به جامعه انسانی





سیاست اخیر جایزه پریتزکر نشان‌دهنده مسیری است که توجه جامع معماری بدان معطوف خواهد شد. گذر از معماری سرمایه‌داری مبتنی بر نئوپوزیتیویسم که درگیر خودکامگی برخی معماران، نوعی دیگر از معماری بین‌المللی را در دنیایی پسامدرن در حال ترویج بود. از پریتزکر «زاحا حدید» در سال ۲۰۰۲ تا جوایز «ویلالتا» و دوشی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ حرف‌هایی نهفته است. اهمیت زیست‌بوم و معماری بومی، بدون تکلف و در خدمت بشریت. بشریتی که خود از زمینه‌اش یعنی محیط جدا نیست، بلکه کلاژ‌هایی درهم‌تنیده‌ای هستند که از نزدیک باهم پیوند خورده و از دور خوش‌ترکیب و کارساز می‌نمایند.

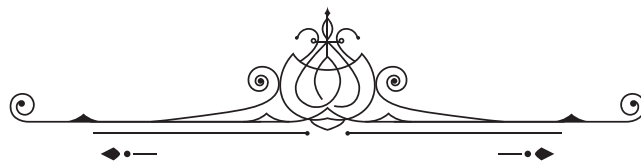
زمینه‌اش یعنی محیط جدا نیست، بلکه کلاژ‌هایی درهم‌تنیده‌ای هستند که از نزدیک باهم پیوند خورده و از دور خوش‌ترکیب و کارساز می‌نمایند.





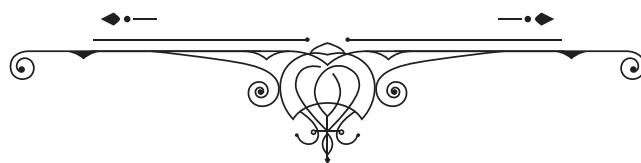
سلسله درس‌گفتارهای معماری معاصر ایران

نشست دوم: (علیه) ویلا



این همایش به کوشش معاونت پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی و با حضور آقای دکتر کاوه بذرافکن در دی‌ماه سال گذشته در سالن علامه امینی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین برگزار شد.

دکتر بذرافکن در بیان اهمیت موضوع، ویلا را دغدغه معماران و حرفه‌مندان ساختمان دانست و تغییر نگاه معماران نسبت به آن را خواستار شد. ایشان ضمن اشاره به ریشه ویلا به‌عنوان یک سنت معماری رومی، علت اهمیت یافتن آن را در دوره رنسانس شکل‌گیری طبقه اجتماعی نوظهور مرفه در این دوره بیان کردند. این عضو هیئت‌علمی دانشگاه، در ادامه به تحلیل و بررسی نمونه‌هایی از ویلاهای شاخص ساخته‌شده از دوره رنسانس به بعد پرداختند. به نظر ایشان تغییراتی که در فن ساختمان و ایجاد «قاب ساده» در ساخت ساختمان به وجود آمد، باعث پیشرفت در فرم معماری و در نتیجه ساخت ویلا شد که لوکوربوزیه در دوران مدرن توانست آثار شاخصی را با توجه به این تغییرات ارائه کند و اصول او در معماری تبدیل به یک سنت برای استفاده در دوره‌های بعدی گردید. ایشان در ادامه صحبت‌های خود به معرفی گروه نوکوربوزینی‌ها (پنج نیویورکی) پرداختند و معماری آن‌ها را در واقع ادامه‌دهنده مفاهیم و روش‌های لوکوربوزیه و تأثیرگذار بر زیبایی‌شناسی بسیاری از معماران معاصر کشور معرفی کردند، در ادامه به بررسی تعدادی از آثار معماران و وام‌گیری‌های آن‌ها از سنت لوکوربوزیه اشاره کردند.





ویلای ساخته شده بیش از آنکه به یک مکان برای ارتباط با جامعه مطرح باشد به روی میز معماران برای آموزش معماری استفاده می‌شود و ما معماری را برای معماری استفاده می‌کنیم.

ایشان همچنین در ادامه به معرفی برخی از پروژه‌های موفق معماری معاصر کشورمان پرداختند و عنوان داشتند که به نظر می‌رسد در این دوره ما دیگر به ویلا احتیاجی نداریم، چون متعلق به یک خانواده است؛ بلکه به فضاهای اجتماعی نیاز داریم که متعلق به تمام دهک‌های اجتماعی مردم باشد. ایشان در جمع‌بندی صحبت‌های خود این‌گونه نتیجه‌گیری کردند که مسئله‌ای که امروزه در پژوهش‌های مختلف به آن تأکید می‌شود، مسئله گفتمان اجتماعی هست و بناهای عمومی می‌توانند در واقع باعث آشتی جامعه با معماری شوند؛ بنابراین رهیافت اجتماعی در معماری موضوع اصلی معماری امروز دنیا می‌باشد که در کشورهای مختلف به آن پرداخته می‌شود.

دکتر بذرافکن در تحلیل معماری دیکانستراکشن عنوان کردند که کارهای این معماران در واقع نوعی ساخت گشایی در برابر سنت لوکوربوزیه می‌باشد. به نظر ایشان از دهه ۰۶۹۱ به بعد، نوعی بازخوانی از بنای پالادیوم توسط معماران صورت گرفت که باعث به وجود آمدن نوعی بینامتنیت در بستر کلاسیک شد که مورد استفاده معمارانی مانند لوکوربوزیه و آیزنمن قرار گرفت. ایشان در ادامه به بررسی تجربه معماری ایرانی در ساخت ویلا پرداختند و نمونه آثار ساخته شده توسط معماران مطرح کشور را بررسی کردند. از نظر بذرافکن، آثار معماران معاصر کشورمان در عرصه ویلا در واقع نوعی گسترش دیدگاه نوکوربوزینی‌ها می‌باشد.

ایشان ضمن اشاره به این موضوع که طراحی ویلا اساساً برای یک دهک طبقه بالای اجتماعی صورت می‌گیرد، معتقد هستند که این موضوع خواسته و یا ناخواسته نوعی فرهنگ سرمایه‌داری را به همراه می‌آورد و معماری در واقع در این جریان، نوعی فرهنگ را ترویج می‌دهد و پروژه‌های





همایش منظر، مفهوم در گذر زمان

در نقاشی‌های این دوره دیگر پرسپکتیو وجود ندارد و معیارهای زیبایی‌شناسی در دو بعد تعریف می‌شوند. ایشان در ادامه به ارائه مثال‌هایی از آثار لوکوربوزیه و رایت و بیان نسبت بین طبیعت و معماری در این آثار پرداختند.

خانم دکتر بهبهانی در تشریح منظر عصر حاضر عنوان کردند که در این دوره منظر مفهومی پویا پیدا کرده و پارادایم انسان‌محوری به پارادایم زیست‌محوری تغییر ماهیت داده است. در عصر حاضر، دیگر بر اساس دیدگاه زیبایی‌شناسی به منظر نگریسته نمی‌شود، بلکه نگاه ادراکی به محیط وجود دارد. در واقع هدف این رویکرد آن است که لایه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و ... در منظر مورد بررسی قرار گیرد. منظر در این دوره دیگر کارت پستالی نیست بلکه ادراکی است؛ بنابراین منظر هم از نظر ساختارهای انسانی و هم ساختارهای طبیعی در ساختار زمانی و مکانی متفاوت است؛ چون در زمان هم فرهنگ تغییر پیدا می‌کنند و هم ساختارهای طبیعی.

دکتر بهبهانی در ادامه به تحلیل برخی از پروژه‌های دانشجویان با نگاه ادراکی به منظر پرداختند و در جمع‌بندی مطالب خود، توجه به لایه‌های مختلف را لازمه منظرسازی در عصر حاضر دانستند.

ایشان ویژگی منظرسازی در دوره روشنگری قرن ۱۸ را توجه به احساسات و تفکر رمانتیک این دوره دانستند؛ که دوباره طبیعت مانند یک بهشت گمشده نگریسته می‌شود. در این دوره، برخلاف دوره رنسانس این تفکر به وجود آمد که طبیعت قابل کنترل نیست و پرمزوراز است. در انگلستان باغ‌هایی به وجود می‌آید که دارای نظم طبیعی هستند و از الگوهای بکر طبیعی برای طراحی منظر استفاده می‌شود و منظر از طریق حرکت در آن کشف می‌شود.

خانم بهبهانی در بیان مشخصات منظرسازی قرن حضور ۹۱، ویژگی اصلی در این دوره را، توجه به پارک‌های شهری دانستند که از عوامل اصلی نظم‌دهنده برای توسعه شهر در این دوره بود. به همین دلیل حفاظت از محیط‌های بکر طبیعی و ایجاد باغ‌های ملی در این دوره افزایش یافت. همچنین ویژگی‌های دیگر این دوره را ایجاد ساختارهای سبز

شهری و پارادایم‌های انسان‌محوری، پاسخ ایستا به زیبایی‌شناسی منظر برشمردند. ایشان همچنین در مورد بیان ویژگی‌های منظرسازی اوایل قرن بیستم عنوان کردند که در این دوره انسان جزئی از اکولوژیک منظر می‌شود و موضوع جدایی سوژه از واقعیت عوض شده و عینیت بر هنر تأثیر می‌گذارد.

این همایش به کوشش معاونت پژوهشی دانشکده معماری و شهرسازی و با حضور خانم دکتر هما بهبهانی در آذرماه سال گذشته در دانشکده معماری و شهرسازی برگزار شد.

خانم دکتر بهبهانی در آغاز سخنرانی هدف از تعریف منظر را رسیدن به مفهوم واحد با توجه به ابهام آن در طول تاریخ عنوان کردند. ایشان ضمن تأکید بر مشکلات محیط زیستی که دستاورد زندگی مدرن انسان است، آن را عامل تخریب منظر شهری و روستایی دانستند و هدف منظر را در معماری امروز، دستیابی به تکنولوژی‌هایی که باعث حفظ انرژی و جلوگیری از تخریب منزل محیط طبیعی می‌شود معرفی کردند. ایشان در ادامه صحبت‌های خود به بررسی مفهوم منظر در طول دوره تاریخی و از دوره رنسانس به بعد پرداختند.

این عضو هیئت‌علمی دانشگاه، آغاز شکل‌گیری مفهوم منظر را از دوره رنسانس دانستند و تشریح کردند که در این دوره انسان سعی کرد که با استفاده از جرد خود به منظر شکل دهد و از طبیعت جدا شده و با استفاده از توانایی‌های خود آن را کنترل کند که در نتیجه، هندسه باغ‌های رنسانسی نمایش توان انسان بوده و ایده اصلی در این دوره توانایی به نظم درآوردن جهان توسط انسان است.



بازدید دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین از نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم



به گزارش کانون قران و عترت دانشگاه آزاد اسلامی قزوین ، در این بازدید یک روزه که با همت حوزه فرهنگی این دانشگاه انجام شد؛ جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین ضمن آشنایی با جدیدترین محصولات فرهنگی از قسمت های مختلف بیست و ششمین دوره نمایشگاه بین المللی قرآن کریم از غرفه دانشگاه آزاد اسلامی در این نمایشگاه ؛ بازدید به عمل آوردند .

در غرفه دانشگاه آزاد اسلامی در این نمایشگاه اثر خوشنویسی آقای حمید رضا سلیمانی از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین به عنوان اثر شاخص قرآنی و تصاویر فعالیت های فاخر قرآنی این دانشگاه جهت بازدید عموم به نمایش در آمد.

دیدار مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی قزوین از خانواده ۲ دانشجوی تحت پوشش کمیته امداد



به گزارش واحد اطلاع رسانی حوزه فرهنگی ؛ همزمان با لیالی قدر و سالروز ضربت خوردن مولای متقیان حضرت علی (ع)، مدیر و کارشناسان حوزه فرهنگی به همراه جمعی از مدیران و کارشناسان کمیته امداد حضرت امام (ره) از خانواده ۲ دانشجوی تحت پوشش کمیته امداد دیدار به عمل آوردند و از نزدیک در جریان مسائل و مشکلات ایشان قرار گرفتند.

در این دیدارها آقای مهندس چگینی رئیس مطالعات و پژوهش های فرهنگی دانشگاه با آرزوی قبولی طاعات و عبادات در ماه رمضان و گرامی داشت لیالی قدر بیان داشتند: این دیدار در راستای طرح افتتاح الجنه با حمایت و به نمایندگی از هیات رئیسه دانشگاه به ویژه ریاست محترم دانشگاه جناب آقای دکتر موسی خانی صورت گرفته و ایشان همواره در این گونه فعالیت های خیر خواهانه پیشقدم و حامی بوده اند.

ایشان با دعوت از این دانشجویان به حضور در برنامه های فرهنگی افزودند: دانشگاه آزاد اسلامی با توجه به عدم داشتن بودجه دولتی.

اغلب از طریق شهریه های دانشجویی اداره می شود و اشخاص خیر و موسسات خیریه باید حامی تحصیلی این گونه دانشجویان باشند .

در ادامه آقای کشاورز از مدیران کمیته امداد و آقای حیدری مشاور مدیرکل کمیته امداد استان نیز با بیان گزارشی از روند حمایت کمیته امداد از خانواده های مددجو در کمیته امداد بیان داشتند: در میان مدیران و مسئولان فعلی کشور کسانی هستند که درگذشته ، مددجوی کمیته امداد بوده اند و با تلاش مضاعف و سختی های فراوان به اینجا رسیده اند و در واقع از دست دادن سرپرست و فقر مالی ، دلیلی بر تلاش نکردن نیست و انسان های فراوانی را سراغ داریم که با تلاش فراوان بر این مشکلات فائق آمده و سکوهای ترقی را طی نموده اند.

محلل انس با قرآن کریم در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین



همزمان با ایام ماه مبارک رمضان محفل انس با قرآن کریم با حضور حجت الاسلام والمسلمین دکتر تراشیون کارشناس مباحث تربیتی و خانواده در دانشگاه آزاد اسلامی قزوین برگزار شد. به گزارش واحد اطلاع رسانی حوزه فرهنگی، در این مراسم معنوی و باشکوه که با حضور دکتر موسی خانی رییس دانشگاه در مسجد امام رضا (ع) برگزار شد، علاوه بر برپایی محفل انس با قرآن، برنامه های متنوع فرهنگی و مذهبی اجرا شد.

• دوران جوانی، دوران طلایی انسان

رییس دانشگاه آزاد اسلامی قزوین در این مراسم ضمن خیرمقدم به حاضران و قدردانی از برگزار کنندگان جلسه، خطاب به دانشجویان گفت: قدر دوران جوانی خود را بدانید که معتقدم بهترین دوران زندگی که می شود تغییری در سرنوشت ایجاد کرد بین ۱۸ تا ۲۴ سالگی می شود و دوران طلایی انسان است.

دکتر موسی خانی ادامه داد: در سن بلوغ که در واقع ذهن به تکامل خود رسیده و اوج توانمندی و شادابی است، انسان می تواند با تلاش، خودسازی و معنویت مسیر آینده زندگی بلند مدت خود در این دنیای فانی را رقم بزند.

وی افزود: «رمض» در واقع در عربی به بارانی گفته می شود که شست و شو می کند، رمضان را به ماه شست و شوی دل ها و رحمت تشبیه می کنند و انشالله صیقل وجود شما که آن جهانی است، تحقق پیدا کند.

رییس دانشگاه آزاد اسلامی قزوین خطاب به دانشجویان، ادامه داد: انشالله از فرصت ارزشمند ماه رمضان و شب های قدر که پیش رو هستند استفاده ی کافی را ببرید، امیدوارم بتوانیم دل های خود را پاک کنیم. دکتر موسی خانی خاطر نشان کرد: اگر انسان پاک باشد، دعاهایش تحقق پیدا می کند، البته گاهی دعاهای ما تحقق پیدا نمی کند، یعنی دل انسان پاک نیست، صفایی است که از بین رفته و گناهدانی است که مانع از اجابت گناه می شود؛ از خداوند می خواهیم ما را ببخشد. وی در پایان یادآور شد: ماه رمضان، ماه بخشش خداوند است و قطعاً جوانان عزیز بیشتر مورد عنایت خداوند هستند و خداوند بنده هایش را بسیار دوست دارد. همه ی شما مورد توجه خاص خداوند هستید، پس قدر خود را بدانید؛ برای همه ی شما آرزوی موفقیت دارم.

• قدرت نه گفتن به گناه، نهایت شادی انسان

حجت الاسلام والمسلمین دکتر تراشیون نیز در این جلسه با بیان تعاریف مختلفی از شادی، گفت: شادی وقتی محقق می شود که انسان یک حس خوبی از عملکرد خودش داشته باشد. وقتی بحث شاد زیستن از منظر قرآن مطرح می شود، قرآن دائم سطح انسان را بالا می آورد، یعنی او را به انسان قوی ای تبدیل می کند که قدرت حل مشکلات را دارد، یعنی وقتی مشکلی را حل می کند، شاد می شود. وی به اثرات شادی در زندگی اشاره و خاطر نشان کرد: انسان های شاد چهره های گشاده و باز دارند، پویایی دارند و فعال هستند، اهل اندیشه و تفکر منطقی هستند، قدرت حل مساله ی خوبی دارند، در نزد دیگران مقبولیت دارند، از روابط عمومی و اجتماعی خوبی برخوردارند؛ قرآن دنبال این است انسانی تربیت شود که اهل تفکر، شاد و پویا باشد.

• انقلاب یک ایده و پدیده ی رشد دهنده

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه های آزاد اسلامی استان قزوین نیز در مراسم ضمن قدردانی از حضور دکتر تراشیون و حاضران، بر لزوم تشکیل این جلسات در ماه مبارک رمضان تاکید و تصریح کرد: خداوند نیازی به کمک ندارد، اما نیاز مظاهر خدا را انسان باید برآورده کند، مظاهر یاری خداوند چه کسانی هستند؟ نصرت ولی خدا، وقتی آیه شریفه می فرماید خدا را یاری کنید، یعنی این که شما موظف هستید نصرت یا ولی خدا را یاری بفرمایید. این استاد حوزه و دانشگاه افزود: از جمله برنامه ها در نظام اسلامی و جامعه ی دانشگاه اسلامی، مدیریت اسلامی است، کسانی که به آرمان های انقلاب باور ندارند، کسانی که به ارزش های اسلامی اعتقاد ندارند، مسلماً باید در مورد آن ها دقت نظر اعمال شود. امروز جامعه دانشگاهی ما، برای اسلامی شدن نیاز به استاد اسلامی دارد، نیاز به استاد انقلابی دارد، نیاز به مدیر انقلابی دارد که انشالله جامعه ی دانشگاهی هم اسلامی شود و دانشجویان ما هم روز به روز در این خط و مسیر حرکت خود را جدی تر کنند.

شایان ذکر است؛ نشست هم اندیشی اساتید، اجرای تواشیح، قرائت قرآن کریم، تجلیل از فعالان برتر قرآنی، اقامه ی نماز جماعت مغرب و عشاء و ضیافت افطاری از دیگر بخش های این مراسم معنوی و باشکوه بود.

حضور گسترده دانشگاهیان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین در راهپیمایی روز قدس

ایشان با اشاره به رشادت ها و جانفشانی های رزمندگان، ایثارگران و شهدا در طول هشت سال دفاع مقدس خاطرنشان کرد: امروز اگر امنیت و آسایشی در این کشور بوجود آمده است همه را مدیون فداکاری، ایثار و از خود گذشتگی همه این عزیزان هستیم و امروز ادای احترام به خون شهدا، آرمان های شهدا را پاس داشتن و تکریم خانواده معظم شهدا وظیفه ماست.

لازم به ذکر است شهید احمد عبدالهاشمی در عملیات والفجر ۸ به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. چهار فرزند این شهید بزرگوار از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین هستند که در رشته های مختلف در حال تحصیل می باشند.

مداحی، خاطره گویی توسط همسر و فرزند ارشد شهید، اهدای تندبسی از شهید احمد عبدالهاشمی از دیگر برنامه ای این دیدار بود.

ایشان با اشاره به رشادت ها و جانفشانی های رزمندگان، ایثارگران و شهدا در طول هشت سال دفاع مقدس خاطرنشان کرد: امروز اگر امنیت و آسایشی در این کشور بوجود آمده است همه را مدیون فداکاری، ایثار و از خود گذشتگی همه این عزیزان هستیم و امروز ادای احترام به خون شهدا، آرمان های شهدا را پاس داشتن و تکریم خانواده معظم شهدا وظیفه ماست.

لازم به ذکر است شهید احمد عبدالهاشمی در عملیات والفجر ۸ به درجه رفیع شهادت نائل آمدند. چهار فرزند این شهید بزرگوار از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین هستند که در رشته های مختلف در حال تحصیل می باشند.

مداحی، خاطره گویی توسط همسر و فرزند ارشد شهید، اهدای تندبسی از شهید احمد عبدالهاشمی از دیگر برنامه ای این دیدار بود.

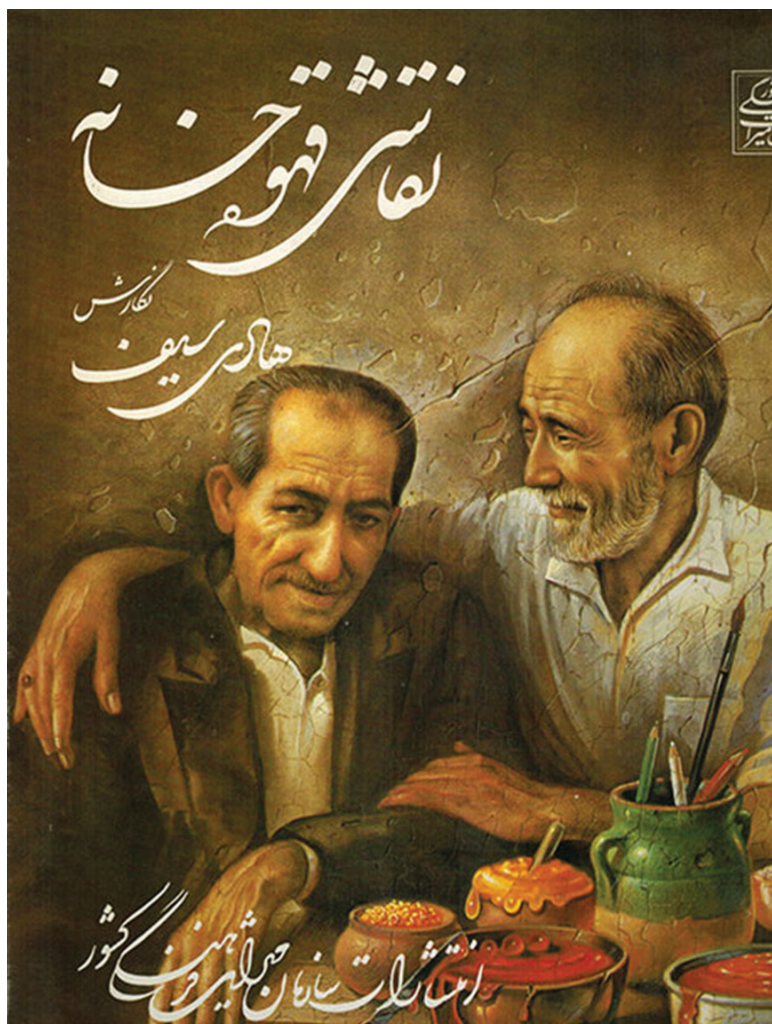
اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین در سالروز آزاد سازی خرمشهر با خانواده شهید احمد عبدالهاشمی دیدار کردند.

به گزارش واحد اطلاع رسانی حوزه فرهنگی، همزمان با فرارسیدن سوم خرداد سالروز غرور آفرین خرمشهر و در راستای ادای احترام به شهدا و تکریم خانواده شهدای گرانقدر جمعی از اساتید، دانشجویان و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی قزوین با خانواده شهید احمد عبدالهاشمی از شهدای هشت سال دفاع مقدس دیدار کردند.

حجت الاسلام و المسلمین صفی خانی و مدیر کل فرهنگی دانشگاه ضمن تبریک سالروز آزادسازی خرمشهر افزودند: فتح خرمشهر یکی از بزرگترین و مهمترین دستاوردهای هشت سال دفاع مقدس است که توسط رزمندگان غیور و پرافتخار این سرزمین در مقابل دشمن تا به دندان مسلح بدست آمده است.

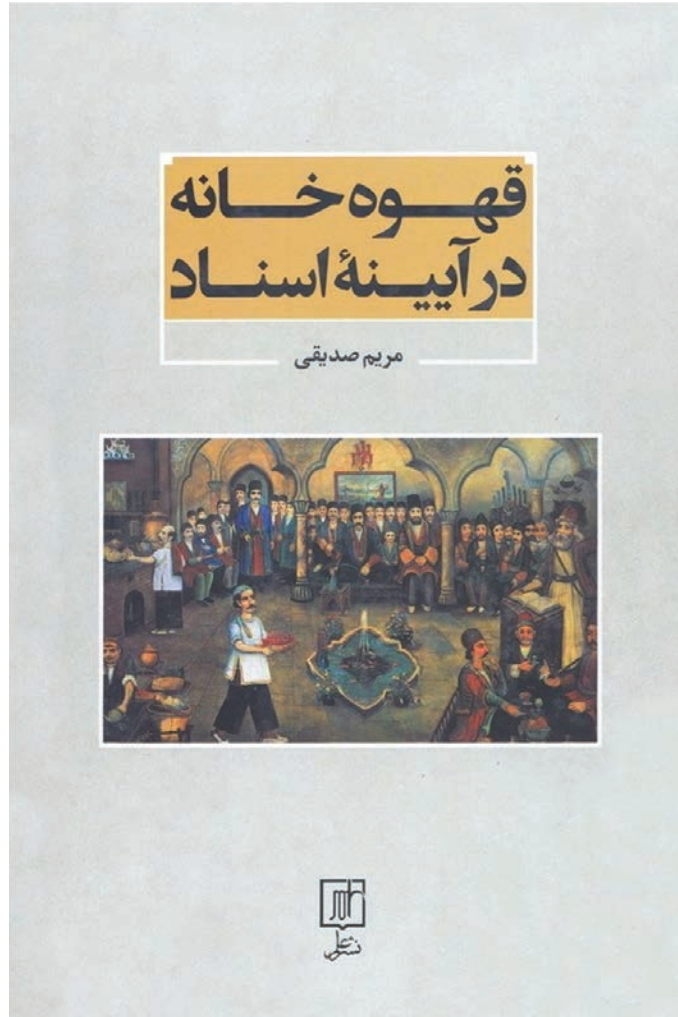


نقاشی قهوه‌خانه
نویسنده: هادی سیف
مشخصات نشر: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۶۹



کتاب نفیس نقاشی قهوه‌خانه، بازتابی صادق و اصل از هنر هنرمندانی عاشق و تنها و دل سوخته است. هنرمندانی مظلوم و محروم از تبار مردم ساده دل و آینه صفت کوچه و بازار؛ آنانی که از پس قرن‌ها سکوت، زیر سقف نمور و تاریک قهوه‌خانه‌ها، در خلوت عارفانه تکیه‌ها و حسینیه‌ها، در سر هر کوی و برزنی، چشم در چشم مردم دوختند و در محفل پرانس و الفت آنان، بغض معصومانه شان را با کشیدن نقشی و نشانیدن رنگی، در دفاع از آبرو و اعتبار و اعتقادات و باورهای همین مردم به یکباره شکستند. نقش‌ها زدند در ستایش راستی‌ها و مردانگی‌ها و فاش کشیدند حکایت کژی‌ها و پلیدی‌ها را، رنگ سرخی نشانند بر تن بوم و دیوار، که گویی لخته لخته خون‌های خشکیده مظلومیت‌های از یاد رفته بود؛ و رنگ سبزی گزیدند به پاس یاد بهار سر سبز و پر طراوت روح و اندیشه راستان و آزادگانی که در جان و دل و خیال و باور مردم، قرن‌های قرن، نسل به نسل، سینه به سینه، تا به روزگارشان به یادگار مانده بود؛ و چه جاودانه و همیشه پایدار و ماندنی. هنرمندان دل سوخته و وارسته، در این روزگار، آستین بالا زدند، تا که ذوق و هنر بی ادعایشان پاسخی باشد، بر همه شور و شیدایی و بیداری مردم؛ غیرتی نشان دهند در خلق هنری سراسر شیفتگی و خلوص، آن هم به جبران روزگاران دراز سکوت و بی‌اعتنایی‌ها و آن همه تحقیرها و نادیده انگاشتن‌های ذوق و اعتقاد و باور مردم، مردمی که همیشه سر چشمه و الهام‌دهنده اصلی باروری و استمرار هنر و فرهنگ این دیار بوده‌اند.

قهوه‌خانه در آینه اسناد
 نویسنده: مریم صدیقی
 مشخصات نشر: نشر علم، ۱۳۹۴



اثر حاضر علاوه بر بهره‌های فراوانی که از پژوهش‌های پیشین مانند آثار آقای علی بلوکباشی برده است، سعی دارد به بیان موضوعات و مسائل طرح‌شده در اسناد یافت شده و موجود در کتابخانه و مرکز اسناد ملی و مجلس شورای اسلامی بپردازد. نقطه آغاز این پژوهش دوره ناصری گذارده شده و تا پایان پهلوی اول که قهوه‌خانه شماری از کارکردهای مثبت خود را از دست می‌دهد، اسناد مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین به‌غیر از فصل اول که به ترسیم فضای بحث و طرح کلیات می‌پردازد، قالب و ساختار این کتاب را موضوعات مطرح‌شده در این اسناد شکل داده است. به‌عبارت‌دیگر هر موضوعی که اسناد بیان کردند، این پژوهش را نیز به همان سو سوق دارد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در فصل دوم به معرفی و بیان کارکرد و مسائل قهوه‌خانه سلطنتی، در فصل سوم به سیاست‌هایی که دولت در قبال قهوه‌خانه‌ها اتخاذ کرده، مانند بستن قهوه‌خانه‌ها، تهیه بخشنامه‌ها، نظامنامه‌های سیاست‌های مالیاتی و...؛ در فصل چهارم اسناد مربوط به شکایات و اختلافات صنف قهوه‌چی و گلایه‌های مردم از قهوه‌خانه‌ها؛ و در فصل پنجم به معرفی، دسته‌بندی و بررسی صوری اسناد مورداستفاده در این پژوهش پرداخته شده است.

PROLOGUE

From the beginning of human creation, according to its audience's culture, architecture has evolved over time and it has created work which in fact can be monuments of the history and civilization of humanity. But the subject of this article is one of the permanent concerns of architects, which is the architecture theory that has been and still is indeed the determinant path and policy of architecture and architects in different eras. Therefore, architectural treatises and publications can make, along with the professional community, valuable steps towards achieving architectural goals and introducing and analyzing the intellectual and theoretical foundations. It is an honor that once again the Islamic Azad University of Qazvin faculty of architecture and urbanization Asemaneh publications which previously was published by the efforts of my professors, once again by relying on and following its brilliant background, will continue to study more in architectural and urbanization fields after six years from its last issue. Like the previous issues of the publication, with a new pattern and approach, by maintaining a scientific and professional spirit by using a collection of articles, interviews... from professors, we are trying to consider the important issue of the country's contemporary architecture. Selecting journal topics, based on the daily needs of architecture and urban planning is determined with the consultation of the publishing's specialized council. The present collection is in fact the efforts and solidarity of a group of professors, students and graduates of the Islamic Azad University of Qazvin faculty of architecture and urbanization, who tried to display some part of their knowledge and abilities. In the structure of the publication in addition to the notes and articles related to the main topic of each issue there are also sections for updating students with news about the faculty of architecture and urbanization, important events in the world of architecture and introducing works and new books. It is hoped to continue this movement with the help and scientific companionship of our great professors and students in order to provide a collection according to their valuable views. I would like to thank Dr. Moosakhan, head of the Islamic Azad University of Qazvin for his efforts and also the student and cultural deputy for providing a suitable environment for the student publications. I would also like to thank head of the Architecture and urbanization faculty, Dr. Soltanzadeh because of his constant support, I am also thankful for the research deputy Dr. Armaghan and the scientific advisor of the publishing, Dr. Soheil's efforts.

Abolfazl Karbalaee Hoseini Ghiyasvand
Director-in-charge of Scientific Specialized Journal Asemaneh
May 2018

PREFACE

Asemaneh is known as the covering of a building or a dome by Iran's architectural culture. In 2001, when I was a graduate student in master degree, we set up a series of student papers which was named Asemaneh later on by Dr. Soltanzadeh's suggestion and was later presented it in the third conference of Iranian architecture students in Tabriz in 2001 as a student publication of the Architecture Department of Islamic Azad University of Qazvin. We have selected a picture of the roof of the historical Bazar of Qazvin city for the cover design and with support of the university nearly 500 volumes of this magazine were published. The following year, Asemaneh was published with the editor of my dear friend, Mazdak Mozhdeh and his friends' collaboration in the name of the Association of Academic Students of Architecture and Asemaneh 3 was also published in 2004 with articles by Amir Bani Massoud, Iman Reyes and others. Asemaneh of four and five were published in the years 2009 and 2012 for the organization of scientific conferences of architecture and urban planning graduates of Islamic Azad University of Qazvin. I remember Soheil Karagah, Asraa Jaleh, Hosein Mollazamani, Amir Hosein Amini and many friends who helped us to conducting this conference publishing a series of articles. Thanks for your loving Compassionate kindness.

Now it seems that the students of the Architecture Department of Islamic Azad University of Qazvin and the cooperation of the deputy of the cultural affairs of the university are supposed to continue the second series of Asemaneh, this time with specialized topics in Architecture. It was a good news that Mr. Abolfazl Karbalaee Hosseini Ghiyasvand, who is a researcher of the doctorate in architecture, has given me who is newly responsible for the magazine.

The first subject of Asemaneh's magazine is the coffeehouse architecture, which has been forgotten for a long time. Coffeehouses not only have been a base for cultural and political interactions, but also religious values were preserved and lived in these places through the form of narration and painting. Furthermore, I saw some valuable illustrations of the concepts of the architecture of coffeehouse, which, along with the interview with Ms. Yeganeh Sadri, was an artistic and pleasing collection. Thank you very much for giving me this note in the end.

Jamaluddin Soheili
Department of Architecture
Qazvin Branch of Islamic Azad University

Asemane

Director-in-charge:

Abolfazl Karbalaei Hoseini Ghiyasvand

Editor-in-Chief:

Farshid Rahimi

Editorial Board:

Abolfazl Karbalaei Hoseini Ghiyasvand:

*PhD Student of Architecture, Department of Architecture,
Qazvin Branch of Islamic Azad University, Qazvin, Iran*

Farshid Rahimi:

*B.A. of Architecture, Department of Architecture,
Qazvin Branch of Islamic Azad University, Qazvin, Iran*

Farid Tavakoli:

*B.A. of Architecture, Department of Architecture,
Qazvin Branch of Islamic Azad University, Qazvin, Iran*

Kasra Kavousian:

*B.A. of Architecture, Department of Architecture,
Qazvin Branch of Islamic Azad University, Qazvin, Iran*

Mohammad Taghi Rafsijani:

*PhD Student of Architecture, Department of Architecture,
Qazvin Branch of Islamic Azad University, Qazvin, Iran*

Scientific Advisor:

Jamaledin Soheili: *Professor Assistant of Architecture,
Department of Architecture, Qazvin Branch of Islamic Azad University, Qazvin, Iran*

Graphists and Layout Artists:

Mohammad Seyedein
Sepehr Soltanieh

IN THE NAME OF GOD

Asemane
architectural quarterly journal

VOLUME 1 - ISSUE 1
SPRING 2018

Asemane1

Spring 2018

Scientific specialized journal
Faculty Of Architecture And Urban Planning
Islamic Azad University, Qazvin Branch



www.qazviniau.ac.ir
info.asemanemag@gmail.com